



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پیش طرح

تدوین تاریخ تحلیلی انقلاب

اسلامی ایران

اینک بر این باروم که دربی تکاپویی سخت - خسته و دردمند، اما خرسند و سربلند - از خم یک
کوچه تاریخ نگاری گذشته‌ام، و نگارش تحلیلی واپسین ربع قرن تاریخ معاصر سرزمین خود را
پیش طرحی درافکنده‌ام. چرا نومید باشم که دانشجویان رشته تاریخ و علوم سیاسی - با یاری
استادان دلسوز - به اجرای آن همت گمارند، و به عنوان نسل انقلاب، آیندگان را وامدار پژوهش خود
سازند؟

در باور نگارنده، اجرای درست این طرح گامی است اساسی در راه آگاهی مردم ما از
سرگذشت میهن خویش؛ سرگذشتی پرفراز و سرشار از تجربه‌های مردم ما از سرگذشت میهن
خویش؛ سرگذشتی پرفراز و فرود و سرشار از تجربه‌های سودمند و نکته‌ها و عبرت‌های ارزشمند.
چه، اگر واپسین حلقه تاریخ ملتی کاویده شود، کاوش دیگر حلقه‌ها کار چندان دشواری در نگاه
نمی‌نشیند.

نیک می‌دانم که این گونه تاریخ کاوی، راهی هزارپیچ را به قهقرا دنوردیدن است، و در بیشه
هراس انگیز تاریخ شیری خفته را از دم جسییدن! اما جز از این چه چاره که از این شیر در بازی
سیاست با تاریخ، به جز نقشی بی سرویال و اشکم برجای نمانده است، و ما را سرنوشت سهمی جز
از دم آن رقم زده است که بازی با آن کاری نه چندان بخردانه است.

آری، اگر حلقه‌های پیشین این زنجیره - که رشته‌ای است تابیده از دو جریان تاریخ اسلام و
ایران - به درستی کاویده شده بود، با ریشه‌یابی هر حلقه در حلقه‌های گذشته و شناخت جریان‌های
سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اثرگذار بر پیدایش هر پدیده و طبقه‌بندی شخصیت‌ها و گروه‌های
وابسته به هر جریان در هر مقطع، در این صورت کاوش و پژوهش این واپسین حلقه کاری بود
نه چندان پیچیده و دشوار.

اما نه چنان شد، که تاریخ و تاریخ نگاری دستخوش بازی سیاست و بازیچه تاریخ نگاران
درباری شد. و سپس زمینه شبیخونی دیگر را فراهم آورد و سرگذشت غم انگیز ما تاریخ نگاری

استعماری را میدان فراخی شد تا آنگونه که خواهند بتازند و هویت سیاسی و فرهنگی ما را به دلخواه خود به نمایش گذارند و آن را به خودمان بخوراند و به به و چه چه روشنفکر ما را تماشاگر شوند. و امروز داستان ما داستان مردمی است که باری سنگین از وام‌های نپرداخته را بر دوش دارند و هر روز نیز بر سنگینی آن افزوده می‌شود. چنین است که ناگزیر باید در نقطه‌ای به تصفیه تن داد و سنگین تر شدن این وام کمرشکن را بیش از این رخصت نداد.

شک نیست که به‌رحال در ایران اسلامی انقلابی رخ داده است، از این روز گسترده‌گی دامنه تاریخ معاصر را - حداقل تا فروپاشی رژیم شاهنشاهی - باید پذیرا باشیم. در این صورت، سال‌های ۴۱ تا ۵۷ واپسین حلقه در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید که به دلیل حفظ پیوستگی آن با حلقه پیشین، در این پیش‌طرح سال‌های ۳۹ تا ۵۷ مطرح شده است که انقلاب اسلامی ایران را بستر پویایی است و بالندگی.

هریک از سال‌های ۳۹ تا ۵۶ با نگاهی سیاسی، تصویر، و محورهای پژوهش در هر زمینه مشخص شده است. سال ۵۷ به دلیل انباشتگی رویدادها در ۱۲ بخش جداگانه دیده شده است. امید که تصویر فرهنگی و اقتصادی این مقاطع را نیز توفیق فراهم آید و گامی دیگر در تکمیل این پیش‌طرح برداشته شود.

مجموعه پژوهش‌های پیشنهادی در این پیش‌طرح - که بیشتر در سطح پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد جای دارد - نگارش تحلیلی تاریخ انقلاب اسلامی ایران را زمینه‌ساز خواهد بود. تا گام نخست در راه تحول تاریخ‌نگاری با استواری بیشتری برداشته شود، پیشنهاد می‌شود که:

۱) پژوهش نقش هر شهر در انقلاب اسلامی ایران را در مقاطع:

الف: سال‌های ۴۱ تا ۴۴

ب: سال‌های ۴۴ تا ۵۰

ج: سال‌های ۵۲ تا ۵۶

د: سال‌های ۵۶ تا ۵۷

به دانشجویانی - حتی الامکان از همان خطه - بسپاریم که در مورد هر شهر ۴ پایان‌نامه - در سطح کارشناسی - تدوین کنند.

۲) با همکاری مراکز اسنادی کشور، نمایه‌سازی اسناد را به دانشجویان رشته تاریخ و علوم سیاسی و با همت هر دانشجو دست کم سه هزار سند را نمایه‌سازی کنیم. اگر چنین کنیم:

اولاً) بذری پژوهش را در استعداد هزاران دانشجو افشاندیم.

ثانیاً) کشور را به بانک اطلاعاتی عظیمی در زمینه تاریخ مجهز ساخته‌ایم.

ثالثاً) ظرفیت دانشگاه را در پذیرش دانشجویان بیشتری در رشته تاریخ بالا برده‌ایم.

در نتیجه، به اعتبار جایگاه تاریخ افزوده ایم. پی افزود این پیش طرح، فهرست‌هایی است که نمودار موجودی اسناد در بانک اطلاعاتی بنیاد تاریخ... است، در مورد سال‌ها و ماه‌ها و شهرها، و نیز موضوعات پیشنهادی به عنوان محورهای پژوهش که راهنمای خوبی است جهت آشنایی با امکانات این بنیاد در اطلاع‌رسانی به پژوهشگران.

*

با تقدیم این «پیش طرح»، به عنوان بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، دست همکاری به سوی گروه‌های تاریخ دانشگاه دراز کرده ایم، با این امید که گامی - هرچند کوچک - در راه پیوند منطقی نهادهای پژوهشی با نهاد آموزشی، در سطح عالی، برداشته باشیم. به امید آن روز که هر طلبه و دانشجوی با استعداد، سلولی از مغز متفکر جامعه ما باشد، که اگر چنین شود پویایی و بالندگی ایران اسلامی را در هر زمینه تماشاگر خواهیم بود، و اگر چنین نشود... و چنان میاد.

سال ۱۳۳۹ - سیاست داخلی کشمکش احزاب و جناح‌های سیاسی

در این سال - در حالی که مردم در سیاست به نومیدی و بی تفاوتی دچار شده‌اند - سیاست داخلی ایران را دستخوش کشمکش‌هایی می‌بینیم: درگیری دکتر اقبال با اسدالله علم، تکاپوی ناگهانی جبهه ملی در بهره‌برداری از فرصت سیاسی ویژه، شاخ‌به‌شاخ شدن دکتر امینی با دکتر کاسمی، رقابت حزب مردم با حزب ملیون در انتخابات دوره بیستم و پیروزی غیرمنتظره حزب ملیون، پیشنهاد ابطال انتخابات از سوی بهبهانی و عملی شدن آن، تظاهرات دانشگاه، رفتن اقبال و آمدن شریف امامی، این همه رویدادهایی هستند که در تحلیل آن نباید از چگونگی سیاست خارجی در آن سال چشم پوشید. انتقاد آیت الله بروجردی از رواج فساد در ایران در مصاحبه‌ای، تأسیس مدرسه حقانی، حضور و تداوم انتشار نشریه‌های مکتب اسلام و مکتب تشیع رویدادهای مهمی در این سال به‌شمار می‌آیند که هر یک به‌دلیلی شایان تأمل است.

محورهای پژوهش:

جایگاه حزب ملیون در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.

جایگاه حزب مردم در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.

- جایگاه حزب توده در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه جبهه ملی در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه دکتر امینی در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه الهیار صالح در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه دکتر کاسمی در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه دکتر اقبال در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه اسدالله علم در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه سیدمحمد بهبهانی در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- جایگاه جعفر شریف‌امامی در معادلات سیاسی ایران در سال‌های ۳۹-۴۰.
- موضع سیاسی آیت‌الله بروجردی.
- نشانه‌های تحول در حوزه علمیة قم.

سال ۱۳۳۹ - سیاست خارجی گرایش بیشتر به سوی امریکا به بهای رنجش شوروی و انگلیس

هر چند از پس شهر یور بیست، زمینه‌های گرایش به سوی امریکا را در سیاست خارجی ایران فراهم و فراهم‌تر می‌بینیم، ولی می‌توان گفت که به‌روزگار ریاست جمهوری آیزنهاور در این گرایش شتاب بیشتری در نگاه می‌نشست، و هر این سال نیز با رفتن آیزنهاور و آمدن کندی، در بر همان پاشنه می‌چرخید.

در مناسبات شوروی و ایران نشانه‌هایی از تشنج دیده می‌شود که در ریشه‌های آن، انگلیس با شوروی وجوه مشترك دارد.

قطع رابطه مصر با ایران - به بهانهٔ به‌رسمیت شناخته شدن اسرائیل از سوی ایران - را در چنان قضایی باید ارزیابی و تحلیل کرد.

به‌رحال مصر، پیشنهاد قطع رابطهٔ کشورهای عربی با ایران را مطرح می‌کند که از سوی عراق - به‌رهبری عبدالکریم قاسم - مورد مخالفت قرار می‌گیرد.

برای شوروی، به‌دست اسدالله علم چراغ سبزی روشن می‌شود که بسا در پی آن تشنج کاهش می‌یابد، چنان‌که تبلیغات رادیو مسکو بر ضد ایران قطع می‌شود.

محورهای پژوهش:

روابط ایران و امریکا در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور.
روابط ایران و امریکا در دوران ریاست جمهوری کندی.

- ۴۰-۳۹- اهرم‌های فشار شوروی بر دربار در سال‌های ۳۹-۴۰.
- ۴۰-۳۹- اهرم‌های فشار انگلیس بر دربار در سال‌های ۳۹-۴۰.
- قطع روابط ایران و مصر در سال ۳۹، زمینه‌ها و پی‌آمدهای آن.
- نقش دکتر اقبال در سیاست خارجی ایران.
- نقش دکتر کاسمی در سیاست خارجی ایران.
- نقش دکتر امینی در سیاست خارجی ایران.
- نقش اسدالله علم در سیاست خارجی ایران.
- نقش جعفر شریف امامی در سیاست خارجی ایران.

سال ۱۳۴۰ - سیاست داخلی درگذشت آیت‌الله بروجردی، نخست‌وزیری امینی

هر چند موضع سیاسی آیت‌الله بروجردی قدس سره برای دربار چندان خشم‌انگیز نمی‌نماید، ولی به‌هرحال شاه بارها اظهاراتی را مبنی بر نقش ایشان در کارشکنی در راه انجام اصلاحات مورد نظرش، زمزمه کرده است. ولی می‌توان گفت که با رحلت وی، دست رژیم در اصلاحات به‌اصطلاح دنیایسند خود بیش‌ازپیش باز شده است. گویی از این پس دربار در جهت تجزیه مرجعیت می‌کوشد، هر چند که به‌ظاهر به نجف گرایش نشان می‌دهد.

از سوی دیگر در پی پاره‌ای فعل و انفعال‌های سیاسی - از جمله اعتصاب معلمان به رهبری درخشش و میتینگ بهارستان و قتل جنجال‌برانگیز دکتر خانعلی - کابینه شریف امامی با پذیرش استعفای او سقوط می‌کند و به‌هرحال دکتر علی امینی پست نخست‌وزیری را احراز می‌کند. امینی به‌عنوان پرچمدار اصلاحاتی به‌صحنه می‌آید و مجلس برای مدتی نامعلوم تعطیل می‌شود. در بهانه و توجیه تعطیل مجلس، ضرورت اصلاح قانون انتخابات مورد تأکید قرار می‌گیرد.

حضور فعال دکتر ارسنجانی از این پس مسأله‌ای است شایان توجه.

رویدادهای پرسش‌برانگیز آن روزها عبارت‌اند از:

(۱) تحرکات جبهه ملی که دستگیری تنی چند از رهبران را در پی دارد، هر چند که مدت دستگیری دیری نمی‌پاید.

(۲) برنامه‌ریزی در منزل سیدمحمد بهبهانی برای اعتراض به نمایش فیلم محمد رسول‌الله (ص).

(۳) تظاهرات دانشگاه که به حزب توده منسوب می‌شود، هر چند که بهره‌گیری از این برجسب برای خنثی کردن هر حرکت، از تاکتیک‌های شناخته‌رژیم است.

(۴) انفجارهایی در سطح تهران.

(۵) دستگیری گروهی از مسوولان مملکتی در اصلاحات جنجالی امینی.

- ۶) عرض اندام آزموده در برابر دولت امینی.
- ۷) تشکیل شورای سلطنت در آستانه سفر شاه و فرح به اروپا.
- ۸) سفر امینی به قم و دیدار او با مراجع.

محورهای پژوهش:

- کشاورزی ایران در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۴۰.
- اصلاحات مورد نظر شاه و خاستگاه آن.
- نقش سیاسی آیت‌الله بروجردی.
- سیاست دربار در مورد مرجعیت پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی.
- جایگاه درخشش در معادلات سیاسی ایران.
- جایگاه گروه ترقیخواه در معادلات سیاسی ایران.
- جایگاه سیدمحمد بهبهانی در معادلات سیاسی ایران.
- تحركات جبهه ملی در سال ۱۳۴۰.
- نقش سیاسی ارسنجانى در سالهای ۳۹-۴۰.

سال ۱۳۴۰- سیاست خارجی تلاش در ایجاد موازنه

می‌توان گفت که محور اصلی تلاش‌های دیپلماتیک در این سال کوشش در کاستن از رنجش‌های ناشی از گرایش به امریکا است. *انسانی و مطالعات فرهنگی*
در این نگاه، سفر شاه و فرح و نیز امینی در رأس هیأتی به اروپا، شایان تأمل است. از مسایل مهم در این سال، پیمان بغداد است و حضور جدی‌تر ایران در پیمان سنتو. در بررسی اخبار این مقطع، نشانه‌های روشنی از تلاش رژیم در جلب اعتماد شوروی نیز دیده می‌شود.

محورهای پژوهش:

- جایگاه درخشش در سیاست خارجی ایران.
- جایگاه گروه کانون ترقیخواه در سیاست خارجی ایران.
- وابستگی‌های سیدمحمد بهبهانی.

پیمان بغداد.

پیمان سنتو.

سال ۱۳۴۱ - سیاست داخلی

سقوط کابینه امینی، نخست‌وزیری علم، آغاز مبارزه

اصلاحات امینی - در بعد مبارزه با فساد اداری - به برخوردهایی با بعضی از امرای ارتش انجامید، در موارد دیگر - از جمله شیلات - اقداماتی جنجال برانگیز صورت گرفت، و در برنامه اصلاحات ارضی با برخوردی از آیت الله حکیم روبرو شد.

آیت الله سید عبدالهادی شیرازی درگذشت، و شاه با تلگراف به نجف مراجع ایران را نادیده گرفت. پیش از این اشاره شد که پس از آیت الله بروجردی، سیاست کلی درباره تجزیه مرجعیت بود، گرچه گرایش به نجف و انمود می‌شد.

در پی سفر شاه به امریکا، کابینه امینی با استعفای وی سقوط کرد و اسدالله علم تشکیل دولت را فرمان یافت. گفتنی است که در همان حال که شاه در امریکا بسر می‌برد، زمزمه رفتن امینی در محافل سیاسی آغاز شده بود.

به‌هرحال، تصویب لایحه اصلاح قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی با اعتراض مراجع روبرو شد که در پی کشمکش‌های چندین‌گانه، جامعه مذهبی یکپارچه در برابر دولت ایستاد و علم به ناچار تسلیم شد. این مبارزه که از قم هدایت می‌شد، بر سرنوشت مرجعیت اثر گذاشت و چهره‌ای تازه را در ایران و نجف و سپس جهان اسلام برآوازه ساخت. حضور امام در صحنه مرجعیت، از روز نخست آهنگی بود که نشان از تحولی ژرف داشت.

تسلیم بی‌چون‌وچرای دولت را در برابر مرجعیت، مفهومی سیاسی بود که دربار نمی‌توانست از آن بی‌تفاوت بگذرد، بگذریم که اصلاحات مورد نظر رژیم جدی‌تر از يك مسأله داخلی بود و فراموش کردن آن به اعتبار شاه در کاخ سفید لطمه می‌زد، اعتباری که بسا شاه آن را به‌عنوان راز بقای خود ارج می‌نهاد و به‌هیچ‌روی خدشه‌دار شدن آن را گردن نمی‌نهاد.

چنین بود که به فاصله‌ای بس کوتاه، اصلاحات به‌صورتی دیگر و با عنوان انقلاب سفید مطرح شد، با تکیه بر رأی مردم و رفراندومی که تلویحاً از تغییر قانون اساسی - در صورت لزوم - حکایت داشت.

اکنون شاه بر آن بود که به اصطلاح قاطعیت نشان دهد، و نغمه مخالف را در نخستین لحظه خاموش کند. سفر شاه به قم با چنین سیاستی برنامه‌ریزی شد، چنان‌که هتک حرمت آیت الله سیداحمد خوانساری در تهران ضرب شخصی می‌نمود که در آن پیام خشونت به مراجع نهفته بود.

مراجع قم در دوره‌های حساس تسلیم و سازش، یا مبارزه با شاه به‌بهای بسیار گران، راه مبارزه را برگزیدند، و خشونت‌های رژیم را در بهمن ۴۱ با اعلام عزای نوروزی در واپسین روزهای اسفندماه

در رویارویی با رویدادهای محرم و عاشورا، رژیم شاه در واکنشی جنون آمیز حریم مرجعیت را شکست و امام را دستگیر کرد. همزمان، شماری از علمای بزرگ و سخنوران پرآوازه را در تهران، مشهد، شیراز و شهرهای دیگر نیز فرمان بازداشت و دستگیری داد. این واکنش گستاخانه، طغیان عواطف مردم را در پی داشت که در سرکوبی آن فاجعه خونین ۱۵ خرداد پدید آمد. این همه را پی آمدهایی بود که می توان از مهاجرت مراجع و علمای بزرگ سراسر ایران به تهران به عنوان بزرگترین آنها یاد کرد، که در گسترش و تعمیق مبارزه بسیار اثرگذار بود. در میان علمای مهاجر، آیت الله حاج آقا روح الله کمالوند را نقشی ویژه بود، به ویژه در مبادله پیام میان مهاجرین و دربار. تقارن این رویدادها با دستگیری زنده یاد، مجاهد نستوه آیت الله طالقانی و سران نهضت آزادی نیز شایان تأمل است.

در چنان فضایی، اقداماتی همانند اصلاحات ارضی و اصلاح قانون انتخابات و در نتیجه راه یافتن زنان به مجلس را جاذبه ای نبود، و سفرهای مکرر شاه به استانها و اعطای اسناد مالکیت به کشاورزان - به رغم تبلیغات و هیاهوی رسانه های رژیم بسیار کم اثر بود. نه تلاش رژیم در برگزاری انتخاباتی به ظاهر مردم به جایی رسید، نه هیچ شخصیت وجیه المله ای همکاری با حکومت را پذیرا شد، و نه پشتیبانی عالمانی ساده لوح - مانند شیخ باقر کمره ای - جز طرد آنان از جامعه، اثری بخشید.

رفته رفته، در سیاست دربار گرایش به نرمش و مدارا نمودار شد، به ویژه در رمضان آن سال فرصتی استثنایی پیش آمد و بار دیگر مساجد و محافل مذهبی صحنه حضور و باشکوه از هواداران نهضت شد. این ویژگی در تهران بیش از شهرهای دیگر ایران به چشم می آمد. شخصیت های برجسته زندانی آزاد شدند و امام و تنی چند از بزرگان از حبس به حصر منتقل شدند.

در تصویر و جمع بندی رویدادهای سیاسی سال ۴۲ به این نکته باید توجه داشت که پس از گرایش رژیم از سرکوبی و خشونت به نرمش و مدارا، یکی از محورهای عمده فعالیت ساواک تلاش در جلب همکاری شخصیت هایی بود که به عنوان چهره های مبارز در جامعه پایگاهی به دست آورده بودند؛ محور دیگر ایجاد تفرقه در صفوف نهضت بود. شاید بتوان گفت که در زمینه دوم موفقیت بیشتری آنان را فراچنگ آمد، و در زمینه اول میزان موفقیت بسیار اندک بود.

محورهای پژوهش:

نقش عاشورا در انقلاب اسلامی ایران.
اهرم های مهم امام در بسیج مردم پس از ماجرای فیضیه.
تأثیر مبارزات سال های ۴۱ و ۴۲ بر ذائقه سیاسی جامعه.

تأثیر مبارزات سال‌های ۴۱ و ۴۲ بر ذائقه فرهنگی جامعه.
نقش شبکه مساجد در انقلاب اسلامی ایران.
نقش شبکه مساجد در انقلاب اسلامی ایران.
نقش شبکه هیأت‌های مذهبی در انقلاب اسلامی ایران.
مقایسه حوزه قم و نجف در نگاه سیاسی.
زمینه همکاری طیب با نهضت و آثار آن.
نقش حاج آقا روح‌الله کمالوند در انقلاب اسلامی.
موضع احزاب سیاسی در جریان ۱۵ خرداد.

سال ۱۳۴۲ - سیاست خارجی
ستایش از انقلاب سفید در مطبوعات غرب

می‌توان گفت که رژیم به‌رغم مشکلات فراوان در سیاست داخلی، با اتکا به آمریکا و غرب - ضمن حفظ موازنه در مناسبات با شوروی - احساس غرور و کامیابی می‌کرد. رسانه‌های غربی نوعاً شاه و انقلاب سفید را مورد ستایش قرار می‌دادند و رویداد مهمی مانند ۱۵ خرداد را تقریباً نادیده می‌گرفتند. از سفر وزیر خارجه آمریکا به ایران در رسانه‌های داخلی با آب‌وتاب بهره‌برداری تبلیغاتی می‌شد.

از سوی دیگر سفر برزنف در این سال به ایران، بیانگر موفقیت رژیم در کاستن از رنجش شوروی بود.

ترور کندی را در چنان فضایی در روحیه مردم بازتاب جالبی بود، گویی تصادفی بود در تسلیت به بازماندگان شهدای پانزده خرداد، به‌ویژه که انعکاس این خبر را با گزارش اعدام طیب و حاج اسماعیل رضایی فاصله‌ای بود بسیار اندک.

محوهای پژوهش:

موضع و رسانه‌های خارجی در جریان ۱۵ خرداد.
سفر برزنف به ایران در سال ۴۲.

سال ۱۳۴۳ - سیاست داخلی
تبعید امام به ترکیه، صفیر گلوله بخارانی

سال ۴۳ سالی است پرحادثه و اثرگذار بر انقلاب اسلامی ایران: با آزادی امام موجی از

پاسخ گفتند، و با این حرکت متین و کوبنده، شخص شاه را مخاطب ساختند و آمادگی خود را برای مبارزه تفهیم کردند. نطق آتشین امام در واپسین چهارشنبه سال، خط بطلانی بود بر احتمال هرگونه آشتی و سازش.

در این مقطع، روحانیت و مرجعیت همگام و همصدا بود، چنان که اگر هر کس در هر مقام به راهی دیگر می‌رفت، اعتبار خود را می‌باخت. در مثل دیدار شاه با روحانیون مدرسه سه‌سالار، به وضوح حرمت مرحوم راشد را لطمه‌دار ساخت. به‌رحال، اگر بر آن شویم که سال ۴۱ را تنها با يك عنوان مشخص سازیم. ناگزیر باید آن را سال آغاز مبارزه نام گذاریم.

محورهای پژوهش:

- زمینه‌های اصلاحات اجتماعی در ایران در سال‌های ۴۰-۴۱.
- محور اصلی در مبارزه روحانیت با اصلاحات اسدالله علم.
- پی‌آمدهای تسلیم علم در برابر روحانیت.
- موضع احزاب سیاسی در مبارزه روحانیت در سال ۴۱.
- نقطه آغاز مبارزه شاه و روحانیت در سال ۴۱.

سال ۱۳۴۱ - سیاست خارجی ابراز اعتماد آمریکا به شاه

رویداد محوری این سال کامروایی دربار است در تحمیل کناره‌گیری بر دولت امینی که خود نشانه‌ای است از جلب اعتماد آمریکا. چه، روشن است که نه آمدن و نه رفتن امینی بدون دخالت آمریکا نبوده است. چنان که بی‌تردید نمی‌توان پذیرفت که شاه در واگذاری کلید اجرایی کشور به امینی داوطلب بوده است. با این همه، اگر اسدالله علم را مهره انگلیس بدانیم، می‌توان گفت که در این جایگزینی به حل مشکل دیگری در سیاست خارجی نیز توجه شده است.

گفتنی است که این جابه‌جایی در پی سفر شاه و فرح به آمریکا و اروپا صورت گرفت.

اظهارات امینی در استمالت از شوروی - پیش از استعفا - نیز درخور تأمل است.

به‌رحال علم در نخستین روزهای صدارت، دست به اقداماتی به اصطلاح اصلاحی زد که بی‌آمد آن درگیری روحانیت بود، در توجیه این اقدامات به الزامات بین‌المللی تکیه می‌شد که مفهوم آن در قاموس سیاست آن روز بی‌نیاز از توضیح است. پیروزی الجزایر در این سال نیز رویدادی است مهم با پی‌آمدهایی و بازتاب‌هایی با اهمیت.

محورهای پژوهش:

نقش امریکا در پیدایش و سقوط امینی.
نقش قدرت‌های خارجی در نخست‌وزیری علم.
انعکاس پیروزی مردم الجزایر در ایران.

سال ۱۳۴۲ - سیاست داخلی

قیام ۱۵ خرداد

اکنون «قم» کانون جنبشی مردمی شده است. با بهره‌گیری از هر زائر به‌عنوان پیک قیام برای ارسال پیام نهضت به‌جای‌جای کشور. از همه‌جای ایران گروهی همه‌ساله به قم می‌آیند تا مراسم تحویل سال نور را در حرم حضرت معصومه بگذرانند. اعلام عزای ملی در نوروز برای همه‌ی این زائران پرسش‌انگیز است و انگیزه‌کنجکاو. که در نخستین و ساده‌ترین مراحل آن درمی‌یابند که بر روابط مرجعیت و رژیم حاکم، قهر و خشم حاکم است که این خود در برانگیختن عواطف مذهبی بر ضد رژیم بسنده است. در این حال یورش وحشیانه به فیضیه در مجلس سوک امام صادق (ع) مردم را بهت زده و خشمگین می‌کند...

بدین سان سال ۴۲ به‌عنوان سالی سرنوشت‌ساز و پرماجرا با بهاری آغاز می‌شود که نخستین روزهای آن با طوفانی سهمگین همراه است که پیام آن به‌پایان رسیدن دوران سکون و سکوت است و آغاز عصر قیام و فریاد.

رهبری مبارزه در این مقطع دارای ظرافت‌هایی است که در دریافت آن نیاز به ژرف‌نگری است. از آن جمله هوشیاری امام در گرم نگه‌داشتن کوره نهضت از یکسو و در دست گرفتن ابتکار عمل در انتخاب صحنه و زمان درگیری با برنامه‌ریزی هوشمندانه از سوی دیگر، فاصله فروردین تا خرداد با نرمشی قهرمانانه پیموده می‌شود و در خرداد - که در آن سال مصادف با محرم است - با بهره‌گیری درست از شور عاشورا، رژیم شاه به محاصره خشم و احساسات مردم درمی‌آید. گویی این همه مقدمه‌هایی است تا دشمن را ضربه‌ای کوبنده فرود آید: فریاد امام، عصر عاشورا، در مدرسه فیضیه، فریادی که ابهت شاه را درهم کوبید و مردم را جرأت و جسارت بخشید.

به‌جرأت می‌توان گفت که در عاشورای سال ۴۲ سراسر ایران صحنه درگیری قشرهای گوناگون مردم بود با رژیم شاه. شگفتا که در این صحنه خاطره انگیز چهره‌هایی در نگاه می‌نشینند که روزی دل‌باختگان سینه‌چاک شاه بودند، طیب. و طیف هوادارانش...

جالبتر این که موج نهضت از مرزهای پادگان‌های نظامی نیز عبور کرده بود. آری، با سربازگیری طلاب پس از ماجرای فیضیه، نیروهای نهضت در پادگان‌ها نیز حضور داشتند.

شادی پدید آمد که در واکنش‌های آن گویی در صف هواداران ایشان انشعابی حاصل شد: از این پس طیف قابل ملاحظه‌ای از هواداران امام، ایشان را اصل می‌شمردند و بر آن بودند که از هر اقدامی که مرجعیت ایشان را به مخاطره بیندازد جلوگیری کنند. گروهی دیگر مبارزه را اصالت می‌دادند و از هر فرصت، به منظور گسترش و تعمیق روحیه مبارزه استفاده می‌کردند. طبیعی است که در این میان خط سومی نیز نمودار شود...

هرچند در مواردی موضع امام به عنوان مهار کردن تندروها تفسیر می‌شد (از جمله برخورد منفی با قطعنامه‌ای که در جشن قرائت شد) ولی به‌طور کلی مواضع و گرایش‌های ایشان همسو با کسانی بود که برای مبارزه اصالت قائل بودند، از جمله اولین سخنرانی پس از آزادی و سخنرانی در شروع درس پس از تابستان.

در این میان زندانی بودن آیت‌الله طالقانی، تبعید آیت‌الله قاضی از تبریز و مسایلی از این دست، مورد بهره‌برداری طرفداران مبارزه بود.

سرانجام خط سازش شکست خورد و برخورد انقلابی امام با تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس، نهضت را وارد مرحله جدیدی کرد.

رژیم شاه در این مرحله با سیاستی دیگر عمل کرد، امام را پس از دستگیری تبعید و خبر آن را سریعاً منتشر کرد و با عملیاتی گسترده هرگونه تظاهراتی را راه بست و تعطیل بازار را نیز به سرعت پایان داد. چنین بود که پی‌آمدهای دستگیری و تبعید امام به‌صورتی دیگر نمودار شد: پیدایش کانون‌های مقاومت به‌صورت تجمع‌های ناپیدا برای بهره‌گیری از هر فرصت به‌سود نهضت، که برگزاری جلسات دعای توسل در قم و مشهد، جشن نیمه شعبان در مسجد اعظم قم و نیز تلاش در استفاده حداکثر از مجالس ترحیم بزرگ و فرصت رمضان و محرم را به‌عنوان نمونه‌هایی روشن می‌توان نام برد. هرچند که بهره‌برداری از مجالس ترحیم بزرگ، در چهلم مرحوم حاج سیدحسین اثنی‌عشری تقریباً به بن‌بست رسید و در جریان معروف به لیلۃ الضرب - که شریعتمداری را رودرروی نهضت قرار داد - مسأله شکلی دیگر پیدا کرد.

در این سال دو شکل عمده در قم و تهران در هدایت کانون‌های مقاومت، نقش بیشتری را عهده‌دار بودند که یکی دارای ارگانی نیز بود:

جمعیت سری اصلاح حوزه در قم، و جمعیت‌های مؤتلفه در تهران، که شاخه‌ای از آن جمعیت‌ها راه مبارزه مسلحانه را پیش گرفت و صفیر گلوله بخارایی و اندرزگو نغمه‌ای دیگر ساز کرد. پی‌آمدهای ترور منصور - که خود پی‌آمد شبیخون به بیت امام و اختناق پس از آن بود - درخور ارزیابی و تحلیلی دقیق است.

پس از دستگیری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی خبرهای نگران‌کننده‌ای از شکنجه وی شایع شد....

محورهای پژوهش:

گرایش به تشکل و تشکیلات و زمینه‌های آن در سال ۴۲-۴۳.
گرایش به مبارزه مسلحانه و زمینه‌های آن.
موضع‌گیری آقای شریعتمداری در برابر هواداران نهضت.
رابطه جمعیت سری اصلاح حوزه با جمعیت‌های مؤتلفه.

سال ۱۳۴۳ - سیاست خارجی تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس ایران

در این سال وابستگی ایران به آمریکا به اوج رسید که تصویب لایحه کاپیتولاسیون نمود روشن آن بود.

کنار گذاشتن خروشچف از صحنه سیاست در شوروی. پیروزی حزب کارگر در انگلیس و پیروزی جانسون در انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا رویدادهای عمده‌ای هستند که هر یک را در اوضاع ایران - بیش یا کم - بازتابی بوده است.

در این سال ستیزه‌جویی با جمال عبدالناصر در مجلس ایران و انعکاس آن در مطبوعات، نکته قابل ملاحظه‌ای است. در روابط ایران و کویت نیز تشنجی مشهود است. زمینه تشنج در روابط ایران و عراق نیز مشاهده می‌شود. از سوی دیگر تلاشی در سیاست خارجی در حفظ موازنه و استمالت از شوروی به چشم می‌خورد.

محورهای پژوهش:

رابطه دربار ایران با جانسون.
زمینه‌های خصومت رژیم شاه با عبدالناصر.
زمینه‌های تشنج در روابط ایران و عراق.

سال ۱۳۴۴ - سیاست داخلی انتقال امام از ترکیه به نجف

این سال نیز، در جریان انقلاب اسلامی ایران، سالی پرماجرا است. ترور ناموفق شاه توسط

رضا شمس آبادی و زمزمه تشکیل شورای سلطنت، پندار پولادین بودن رژیم را خدشه دار ساخت و به دل‌ها امید و جرأت بیشتری بخشید. در جریان محاکمه عاملین قتل منصور و شهادت چهار تن آنان فعل و انفعالات بسیاری به سود نهضت انجام شد؛ به‌ویژه تحصن فضلا و روحانیون قم در بیوت مراجع وقت، مفهوم خاصی داشت و تلویحاً تأییدی برای حرکت‌های تند به‌شمار می‌رفت. درگذشت سید کاظم قرشی - پس از آزادی از زندان - نیز در حوزه بازتاب جالبی داشت. کشته شدن سه افسر در آمادگاه تهران با رگبار محمد بارانی نیز حکایت از پولادین نبودن حصار ارتش و نیروهای مسلح داشت. دستگیری حزب ملل اسلامی با آرمان تشکیل حکومت اسلامی، - به لحاظ سیاسی و فرهنگی - واکنش‌هایی در پی داشت.

رژیم شاه و دستگاه تبلیغاتی وی تلاش وسیعی را برای ایراد اتهام به نهضت شروع کردند، و به‌ویژه به دخالت‌های چین و کوبا تکیه خاصی داشتند. حضور پرویز نیکخواه با ضعف‌های وی در گروه شمس آبادی و اظهارات خلیل ملکی مورد بهره‌برداری فراوان قرار گرفت. در همین سال زمزمه چاپ قرآن شاهنشاهی شروع شد، شعار مبارزه با تجمل مطرح گردید و مجلسین لقب آریامهر را به شاه اعطا کردند.

انتقال امام از ترکیه به نجف، موجی از تبلیغات به سود نهضت را در پی داشت و نور امید به دل‌های فرزندان نهضت تابید. گروهی از شیفتگان امام عجلولانه راهی عراق شدند، و گروهی تداوم نهضت را با ماندن در ایران عملی می‌دیدند. افتتاح دارالتبلیغ در این سال، رویدادی تلخ بود که پی‌آمدهای ناگواری برای نهضت داشت. به تحولات اقتصادی و فرهنگی کشور نیز در این سال باید جداگانه نگاه شود.

محورهای پژوهش:

ریشه‌یابی ترور نافرجام شاه توسط رضا شمس آبادی.
تحلیلی از گروه خلیل ملکی.
نقد و تحلیل حزب ملل اسلامی.
ریشه‌یابی تأسیس دارالتبلیغ.
ریشه‌یابی حرکت محمد بارانی.
چرخش سریع کشور به سمت صنعت مونتاژ و پی‌آمدهای آن.
پی‌آمدهای فرهنگی نهضت.

سال ۱۳۴۴ - سیاست خارجی مذاکرات تأسیس ذوب آهن، قرارداد منجیل

به نظر می‌رسد که در این سال رژیم شاه تلاش بیشتری در جهت ایجاد موازنه مثبت در سیاست خارجی به سود شوروی و اروپا مبذول داشته است، هرچند که اتکاء به امریکا همچنان محور عمده در سیاست خارجی بوده است. سفر شاه و فرح در این سال به امریکا و اروپا و نیز شوروی و مذاکرات تأسیس ذوب آهن و قرارداد سد منجیل نمودار روشن این واقعیت است.

رژیم می‌کوشد چین و کو با را جایگزین شوروی سازد و توطئه‌های چپ را چنین توجیه کند. در این سال تشنجی در روابط انگلیس و ایران پیش می‌آید که به موضع گیری مجلس انگلیس در جریان دستگیری عوامل ترور ناموفق شاه راجع است، درحالی که زمره بهبود روابط ایران و مصر به گوش می‌رسد، تشنج در روابط ایران و سوریه از یکسو و در روابط ایران و عراق از سوی دیگر پیش می‌آید. درگیری هند و پاکستان را نیز حمایت ایران از پاکستان بی‌آمد است که به تشنج در روابط هند و ایران می‌انجامد.

در این سال دبیرکل سازمان ملل نامه‌ای در ارتباط با تبعید امام به وزارت خارجه ارسال می‌دارد که تیمسار نصیری عدم لزوم پاسخ به آن را اعلام می‌کند.

سال ۱۳۴۵ - سیاست داخلی سرکوب و خشونت

در سرکوبی نهضت، رژیم خشونت بیشتری نشان داد. در آغاز سال محمد منتظری - که در صحن حضرت معصومه عهده‌دار رهبری پخش تراکت توسط طلاب بود - دستگیر و در پی آن آیت الله منتظری و ربانی شیرازی نیز دستگیر شدند که واکنش‌هایی را در پی داشت، از جمله، تجمع روحانیون در بیت آیت الله مرعشی و سخنرانی آقایان مروارید و جنتی که آنان نیز دستگیر شدند.

دادگاه تجدید نظر اعضاء حزب ملل اسلامی در ارتش تشکیل شد. در تهران از تشییع جنازه مرحوم حاج شیخ حسین خندق‌آبادی به سود نهضت بهره‌برداری شد.

هرچند که مجالس باشکوهی را در تهران، هواداران نهضت در ماه رمضان برگزار می‌کردند، و به‌ویژه در این سال آقای مروارید شمع جمع بود، ولی به‌طور کلی احساس می‌شد که شمار زیادی از روحانیون - به‌ویژه معمرین ائمه جماعات تهران - به نهضت وفادار نمانده‌اند. مکاتبات مرحوم سعیدی با امام از این نظر جالب توجه است. در مطبوعات خبر انفجاری در خیابان مولوی درج شد که حاکی از گرایش به مبارزه مسلحانه بود. در این سال دکتر مصدق نیز درگذشت که چندان واکنشی نداشت.

ارسال کمک از سوی القاتیان به اسرائیل، احساسات مردم را جریحه‌دار کرد. در خوزستان به دلیل ویژگی‌هایی، مراسم عاشورا با شور بیشتری برگزار شد.

محورهای پژوهش:

- پایگاه‌های تبلیغات نهضت در رمضان.
- پایگاه‌های تبلیغات نهضت در محرم.
- جایگاه القاتیان در معادلات سیاسی.
- مقایسه تشییع جنازه حاج شیخ حسین خندق‌آبادی.
- و مجالس ترحیم دکتر مصدق.

سال ۱۳۴۵ - سیاست خارجی جنگ اعراب و اسرائیل

در این سال شواهدی حاکی از آن است که تلاش ایران در حفظ موازنه سیاست خارجی اندکی امریکا را ناراضی کرده، به‌ویژه خرید تسلیحاتی از شوروی و قرارداد دویست میلیون مارکی برق منجیل با آلمان را، به لحاظ سیاسی نیز می‌توان بررسی کرد. حملات اسرائیل به اردن مشکلاتی را در سیاست خارجی ایران در پی داشت. در این مورد رژیم به تناقضی در سیاست خارجی و داخلی گرفتار بود که در حل آن چندان موفق نمی‌نمود. مثلاً، در شرایطی که تحریم معامله با یهود تبلیغ می‌شد. ارسال کمک از سوی القاتیان برای اسرائیل، بازتاب خشم‌انگیزی داشت.

در روابط ایران و عراق تشنج به اوج رسید و تجاوزهای مرزی به ایران، دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد. ترکیه در این شرایط نقش میانجی را داشت. عراق در این سال شاهد کودتاها و ضد کودتاها بود که سرانجام عبدالسلام عارف عهده‌دار رهبری گردید.

اعدام رهبران اخوان المسلمین در مصر به سود رژیم مورد بهره‌برداری قرار گرفت. هرچند که - به دلیل نفرت مردم از شاه - در توجیه آن تلاش می‌شد. به‌رحال در محافل مذهبی ایران محبوبیت ناصر که به شدت با سیاست خارجی ایران در تناقض بود، آسیب دید.

محورهای پژوهش:

سفر وزیر خارجه امریکا به ایران.

خرید تسلیحاتی از شوروی.
بررسی و تحلیل اعدام رهبران اخوان المسلمین.
موضع ایران در جنگ اعراب و اسرائیل.

سال ۱۳۴۶ - سیاست داخلی جشن‌های تاجگذاری، مرگ تختی، آزادی سران نهضت آزادی

سرکوبی نهضت با خشونت هرچه بیشتر ادامه داشت. آیت‌الله منتظری که پس از آزادی از زندان برای دیدار امام به عتبات مشرف شده بود، در مرز دستگیر و زندانی شد. آقایان قمی و روحانی به دلیل اعتراض به لایحه حمایت از خانواده به زابل و خاش تبعید شدند که واکنش امام را در پی داشت. امام در نامه‌ای به هویدا بار دیگر به نصیحت و اتمام حجت پرداخت، فیضیه مورد یورش قرار گرفت، کتابخانه امام غارت شد. آقای پسندیده و آقای اسلامی - به منظور جلوگیری از شهریه امام - محکوم به تبعید گردیدند. جمعی از روحانیون مبارز در ارتباط با اعتراض به جشن‌های تاجگذاری زندانی شدند که در میان آنان چهره‌هایی چون هاشمی رفسنجانی و مرحوم ربانی شیرازی به چشم می‌خوردند. مبارزه با نهضت تا آنجا تعقیب می‌شد که از سفر مقلدین امام به مکه جلوگیری می‌شد. نامه‌هایی افشاگرانه از زندان قزل‌قلعه و قصر منتشر شد. درگذشت تختی نیز موجی از عواطف را بر ضد رژیم در پی داشت که موضع‌گیری مجله مکتب اسلام بسیار تأسف آور بود.

با این همه نهضت راه خود را طی می‌کرد و کانون‌های مقاومت جدیدی در همان جو پدید می‌آمد. در حسینیه ارشاد مجالسی باشکوه‌تر از گذشته - به‌ویژه به مناسبت ماه رمضان - برگزار می‌شد و در همین سال مدرسه رفاه تأسیس شد.

جالب این است که در این سال به عنوان بزرگداشت جشن‌های تاجگذاری عفو گسترده‌ای اعلام شد که در میان آزادشدگان چهره‌ای چون آیت‌الله طالقانی، که محوری دیگر برای مبارزه به‌شمار می‌رفت دیده می‌شد.

در این سال به دلیل زلزله انتقال امام از عراق نگرانی‌هایی پیش آمده بود و تلاش‌هایی از ناحیه گروه‌ها و اقلشار مختلف در پیش‌گیری خطری احتمالی انجام شد.

محورهای پژوهش:

تردد به نجف و روزه‌های تنفس.
شهریه امام در قم.
ماجرای درگذشت تختی و پی‌آمدهای آن.
کانون‌های مقاومت جدید.

نقش آیت الله طالقانی پس از آزادی.

سال ۱۳۴۶ - سیاست خارجی عواطف ضداسرائیلی مردم، مشکلی در سیاست خارجی شاه

در سیاست خارجی ایران در این سال دگرگونی عمده‌ای به چشم نمی‌خورد. سفر فرح به دعوت جانسون به امریکا، سفر شاه به امریکا، انتخاب اشرف پهلوی به ریاست مجمع حقوق بشر سازمان ملل متحد، سفر دبیرکل سازمان ملل (اوتانت) به ایران، سفر نیکسون به تهران، پیام جانسون به بهانه هفدهمین سال روابط با ایران و نیز سفر هویدا به شوروی و اعزام يك هیأت نظامی به مسکو، و موافقتنامه اقتصادی با شوروی رویدادهای مهم سال ۴۶ در این نگاه به‌شمار می‌آیند. در رده‌ای پایین‌تر، سفر ملك حسين و مفتی اعظم فلسطين به ایران قابل ملاحظه‌اند.

جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، بار دیگر مشکلاتی در سیاست خارجی ایران به‌وجود آورد و فرصتی شد برای هواداران نهضت در تظاهراتی ناسازگار با سیاست رژیم که در يك مورد ناگزیر از برخورد و دستگیری مرحوم آیت الله غروی شد. شایعه فروش نفت ایران به اسرائیل اوج گرفت. هرچند که دیری نپایید که موضع سازشکارانه مصر و اردن از این فشارها کاست. بهبودی در روابط ایران و عراق پیش آمد، زائرانی از ایران به عراق رفتند و زمزمه انتقال امام از نجف موجی از نگرانی ایجاد کرد. طرح مسأله اعراب و اسرائیل در کنفرانس رامسر نیز، در این سال خالی از اهمیت نبود.

محورهای پژوهش:

سفر هویدا به مسکو.
نقش ایران در قبال مسأله اعراب و اسرائیل پس از جنگ شش‌روزه.
قطع کمک‌های بلاعوض امریکا به عنوان برطرف شدن نیاز ایران.

سال ۱۳۴۷ - سیاست داخلی

بروز مشکلات سیاسی و فرهنگی در غیبت رهبر

با فشار روزافزون رژیم، رفته‌رفته گرایش به سازش در برخی چهره‌های سرشناس و بانفوذ روحانیت به صورت خطری جدی نمودار می‌شد، هرچند که نیروهای جوان - به‌ویژه در حوزه قم - به‌راه مبارزه وفادار مانده بودند. در میان نیروهای جوان وفادار به مبارزه نیز پاره‌ای مشکلات فکری خودنمایی می‌کرد و خطر گرایش‌های انحرافی جای نگرانی بود که این مشکل خود، دست‌آویزی

برای سازشکاران شده بود. مکاتبات مرحوم سعیدی با امام و نیز مکاتباتی میان مرحوم مطهری و امام به ترتیب بیانگر جو سیاسی و فرهنگی آن روزگاران است. موفقیت امام در نجف، عامل نگرانی رژیم شاه شده بود.

تعطیل مدرسه حاج ابوالفتح، تبعید آقای پسندیده و آقای اسلامی - نمایندگان مالی امام در قم - و محکومیت آیت الله منتظری و مرحوم ربانی شیرازی به سه سال زندان، نشانی است روشن از فشار رژیم بر هواداران نهضت.

در این سال، زلزله خراسان فرصتی را فراهم ساخت که مبارزان با رهبری آیت الله خامنه‌ای، در صحنه امداد حضور یابند و نفوذ مردمی خود را به نمایش گذارند.

در چنان جوی شاه شعار آزادی می داد و از مخالفت با نظام تک حزبی سخن می گفت. از سوی دیگر، شاه در آن سال با سفر به حج سعی داشت که وجهه مذهبی کسب کند. در همین حال، در مراسم حج، رفته رفته نیروهای مبارز حضور جدی تری پیدا می کردند و از آن فرصت به سود نهضت بهره می گرفتند.

بهره برداری از اعتکاف مسجد امام به سود نهضت در این سال شك جالبتری داشت. برگزاری جشن های پانزدهمین قرن بعثت را می توان از مانورهای فرهنگی نهضت به شمار آورد.

محورهای پژوهش:

- زمینه های گرایش به سازش در روحانیت.
- زمینه های گرایش های انحرافی در نیروهای جوان حوزه.
- تکاپوی اوقاف در دولتی کردن مذهب و روحانیت.
- بهره گیری سیاسی از مراسم حج.
- پی آمدهای فرهنگی پانزده خرداد.
- برگزاری جشن های پانزدهمین قرن بعثت در نگاه سیاسی و فرهنگی.
- نشانه هایی از نهضت فکری در ایران.

سال ۱۳۴۷ - سیاست خارجی
کودتای حزب بعث عراق

درحالی که رژیم شاه می رفت تا به صورت ژاندارم منطبقه - پس از خروج نیروهای انگلیسی از شرق سوئز - درآید، و در سفر شاه به امریکا در این سال محور عمده مذاکره مدرنیزه کردن ارتش ایران به نظر می رسید، تلاش در جهت حفظ موازنه در ارتباط با شوروی همچنان ادامه داشت. سفر کاسیگین به ایران - در پی سفر هویدا به شوروی - و سفر شاه و فرح به شوروی از این نظر قابل

توجه است. تأسیس کارخانه سرب و راه آهن جلفا - تبریز را شوروی عهده دار شد باشد که با تصاحب کلاهی دیگر از این نمذ از او استمالتی شده باشد.

در عراق حزب بعث کودتا کرد و حسن البکر به مقام رهبری رسید، با این همه تلاش دیپلماتیک در جهت بهبود روابط با ایران ادامه یافت. موضع گیری امام در برابر حزب بعث، برای ناظران سیاسی چندان مفهوم نمی نمود.

مسأله اسرائیل همچنان مشکلی بفرنج برای رژیم بود. در سازمان ملل بر سر حضور اسرائیل کشمکش میان نماینده سوریه و اشرف پیش آمد که عراق طرف سوریه را گرفت. از سوی امام فتوایی به سود نهضت فلسطین صادر شد. حساسی با امضای علامه طباطبایی مرحوم مطهری و سید ابوالفضل زنجانی در حمایت از نهضت فلسطین باز شد که حرکتی بسیار سنجیده بود.

آغاز فعالیت کمیسیون حقوق بشر به ریاست اشرف بهلوی و کنفرانس حقوق بشر در تهران فرصتی پیش آورد که گروه های سیاسی خارج کشور و زندانیان بر ضد رژیم به افشاگری بپردازند. مسابقه ایران و اسرائیل نیز فرصتی دیگر پیش آورد که احساسات مردم به نمایش گذاشته شود.

در این سال نیکسون برنده انتخابات در امریکا شد.

محورهای پژوهش:

چشمداشت امریکا از شاه پس از خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس.

سفر شاه و فرح به شوروی در سال ۴۷.

دیدگاه های علامه طباطبایی در مورد انقلاب ایران.

جایگاه و نقش آیت الله سید ابوالفضل زنجانی در انقلاب اسلامی ایران.

سال ۱۳۴۸ - سیاست داخلی

طرح بحث ولایت فقیه

امام با متانتی خاص - به رغم پیش بینی های رژیم شاه - در حوزه نجف جایگاه خویش را به تدریج باز یافته و به جز طلاب و فضلا اقشاری دیگر با ایشان در تماس بودند. دیدار امام در این سال با دانشجویان بصره و کربلا، نمونه ای است از این تماس های سازنده.

از چنین موضعی، بحث ولایت فقیه مطرح شد که موجی فراگیر را در پی داشت. برخاش امام به روحانیون درباری يك سو، و اختصاص سخنرانی آخر سال به مسایل اخلاقی، موضع گیری درستی بود در برابر دو خطر جدی که نهضت را به ویژه در ایران تهدید می کرد و پیش از این مورد اشاره قرار گرفت.

در این سال اعزام نخستین گروه‌های سپاه دانش دختر به‌جای جای کشور، خالی از واکنش‌هایی نبود. همچنین تصدی مقام قضاوت توسط زنان برای نخستین بار، ورودی رامسر را نیز با چنین نگاهی باید از نظر گذراند.

در این سال چندین سینما طعمه حریق شد که قابل ملاحظه است. دانشگاه‌های کشور در این سال جنب‌وجوش بیشتری داشت و موج‌گرایی به‌مذهب رژیم را به‌نگرانی دچار کرده بود. مبارزه با حجاب دختران در دانشگاه شیراز، بازگذاشتن بوفه غذاخوری در ماه رمضان در دانشگاه تهران را - که پی‌آمدهای تندی را در پی داشت و مسوولان را به‌عقب‌نشینی واداشت - می‌توان واکنشی به‌شمار آورد.

فرصت‌های رمضان و محرم - به‌رغم سخت‌گیری‌های رژیم - مورد بهره‌برداری مبارزان بود. درگذشت ارسنجان، تقی‌زاده، سیدضیاء و نیز جلال آل‌احمد در این سال از حوادثی است که هر یک به‌دلیلی درخور تأمل است.

محورهای پژوهش:

حریق سینماها.

مذهب‌گرایی در دانشگاه.

جلال آل‌احمد و انقلاب اسلامی ایران.

سال ۱۳۴۸ سیاست خارجی

ژست‌های شاه در عرصه‌های بین‌المللی

رابطه ایران با لبنان - که به‌دلیل کشمکش در مورد استرداد تیمور بختیار تیره شده بود - قطع شد.

دربی واگذاری ژاندارمی منطقه - پس از خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس - روابط ایران و عراق به‌شدت متشنج شد و به‌درگیری مرزی انجامید. مرز خسروی بسته شد، از سوی ایران قرارداد مرزی ۱۳۱۶ لغو شد و بدرفتاری عراق با ایرانیان مقیم آن کشور در اوج قرار گرفت. پاکستان رسماً از ایران اعلام حمایت کرد و اردن نقش میانجی را عهده‌دار شد.

برخلاف انتظار ساده‌اندیشان و سیاست‌بازان، امام در برابر دولت بعثی عراق به‌سود ایرانیان در موضع برخاش سخت قرار گرفت و به‌قاطع‌ترین وجه در حمایت از مرحوم آیت‌الله حکیم - که به‌عنوان اعتراض به کوفه هجرت کرده بود - موضع‌گیری کرد.

اتحاد مصر، لیبی و سودان امیدهایی به‌وجود آورد و جمعی از روحانیون مبارز، رسماً از آن حمایت کردند.

مذاکره شاه و نیکسون در کاخ سفید و سفر چائشسکو به ایران در این سال دارای اهمیتی ویژه است. الحاق ایران به صندوق بین المللی پول نیز خالی از اهمیت نیست. در این سال، آتش سوزی در مسجد الاقصی رویدادی خشم انگیز بود که پی آمدهای بسیار داشت و در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت، هرچند که جو کنفرانس به شدت جو سازش بود. امام با پیشنهاد ترمیم مسجد الاقصی - که در آن کنفرانس مطرح شد - به شدت برخورد کردند و این اقدام را به معنی نابود کردن آثار جنایت صهیونیسم تفسیر کردند. زمزمه واگذاری سرنوشت بحرین به آراء عمومی، رویدادی مهم در این سال به شمار می رود. در این سال شاه با کنسرسیوم نفت درگیری داشت و پیرامون آن بسیار تبلیغ می شد.

محورهای پژوهش:

قرارداد مرزی ۱۳۱۶ (لغو يك جانبه قرارداد مرزی ایران و عراق از طرف ایران).
موضع گیری امام در برابر دولت بعثی در سال ۱۳۴۸.
موضع گیری آیت الله حکیم در برابر دولت بعثی.
اتحاد مصر، لیبی و سودان.
آتش سوزی مسجد الاقصی و پی آمدهای آن.

سال ۱۳۴۹ - سیاست داخلی درگذشت آیت الله سعیدی در زندان

پیوند امام با دانشجویان خارج از کشور عمیق و عمیق تر می شد. در داخل کشور نیز موج مبارزه رشدی روزافزون داشت. در این حال حضور سرمایه گذاران امریکایی در ایران با واکنشی سخت روبرو شد و مرحوم سعیدی آشکارا به مبارزه و افشاگری پرداخت که در این راه جان باخت. مرگ سعیدی در زندان قزل قلعه عنوان شهادت یافت و موجی گسترده در پی داشت. موجی که با موج رحلت آیت الله حکیم درهم آمیخت و فرصت و میدانی به هواداران نهضت داد.

پیروان امام تقیه را شکستند و آشکارا به تبلیغ مرجعیت ایشان پرداختند که در این راه آیت الله منتظری به نجف آباد و آقایان مروارید، خزعلی و صلواتی به زابل تبعید شدند. تلگراف تسلیت شاه به آیت الله خوانساری و شریعتمداری واکنش هایی را در پی داشت، به ویژه پاسخ آقای شریعتمداری، فاصله او را از مبارزین بیشتر و بیشتر کرد.

در پاکستان نقش مرحوم شریعت در ترویج از امام بسیار مهم بود و علمای لکنهور نیز رسماً امام را به عنوان مرجع معرفی کردند که برای رژیم بسیار نگران کننده بود.
قتل بختیار در عراق نیز در این سال حادثه ای مهم بود.

جشن‌واره هنر شیراز که تهاجمی آشکار به فرهنگ و هنر ایران اسلامی تلقی می‌شد، بعد سیاسی پیدا کرد.

از مسابقه فوتبال ایران و اسرائیل بهره‌برداری گسترده‌ای به سود نهضت شد. در این حال سفر شاه به مشهد مورد بهره‌برداری تبلیغاتی رسانه‌های رژیم بود. حریق در سینما پارک و دو مورد هواپیماربایی، قدرت گروه‌های مسلح را به نمایش گذاشت. در این سال انتشار کتاب شهید جاوید با بهره‌برداری ساواک تبدیل به فتنه‌ای زیانبار شد.

محورهای پژوهش:

سرمایه‌گذاری امریکائیان در ایران.
موقعیت امام پس از رحلت آیت الله حکیم.
نقش مرحوم شریعت در ترویج امام در پاکستان.
زمینه‌گرایی علمای لکنهور به امام.
فتنه شهید جاوید.
قتل بختیار در عراق.
مرگ مشکوک آیت الله سعیدی و پی‌آمدهای آن.

سال ۱۳۴۹ - سیاست خارجی
استقلال بحرین

جنگ اسرائیل و اردن و نیز جنگ اسرائیل با مصر و سوریه، تشنج‌هایی را در پی داشت که سرانجام پس از پذیرفته شدن طرح صلح راجرز، آتش‌بس اعلام شد. کنفرانس کشورهای اسلامی در جده نقش مهمی در تقویت خط سازش ایفا کرد. استقلال بحرین سرانجام مورد تصویب مجل قرار گرفت. سنای امریکا از فروش اسلحه به ایران جانبداری کرد. در نیویورک تایمز در تبلیغاتی از اشرف پهلوی به عنوان ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ستایش شد.

پادگورنی به ایران سفر کرد، و همکاری بازرگانی ایران و شوروی گسترش یافت. صدور گاز به شوروی نیز از مرحله آزمایشی آغاز شد. حافظ اسد در کودتایی بدون خونریزی زمام امور را در سوریه به دست گرفت. پس از نه سال قطع رابطه، سفیر مصر به تهران آمد. جمال عبدالناصر درگذشت و سادات به ریاست جمهوری انتخاب شد.

کنفرانس کارشناسان، طراحان و مجریان سیاست امریکا در تهران برگزار شد و هشتاد سرمایه‌گذار امریکایی با شاه دیدار کردند.

محورهای پژوهش:

طرح صلح راجرز
کنفرانس سران کشورهای اسلامی در جده.
رابطه جمال عبدالناصر با انقلاب اسلامی ایران.
رابطه دربار با مطبوعات غرب.

سال ۱۳۵۰ - سیاست داخلی
جشن‌های ۲۵۰۰ ساله

افزایش تولید نفت ایران - در رابطه تنگاتنگ با امریکا - به سطح ۴ میلیون بشکه در روز
پی‌آمدهایی سیاسی در پی دارد. در این حال رژیم، سرمست دلارهای حاصل از آن و غیر آن - مانند
وام‌های گوناگون از جای جای جهان - برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را تدارک می‌بیند و به اعتبار
سیاسی ناشی از آن چشم دارد، و چرا از این وضع در برگزاری جشن هنر شیراز گستاخ نشود؟
در چنین شرایطی موج سختی از برخوردهای مسلحانه، خواب شیرین را آشفته می‌کند و
هرازگاه سرقت بانکی، حریق سینمایی، انفجاری، شورش و برخورد مسلحانه‌ای گزارش می‌شود.
هرچند که دستگیری عوامل آن، به‌ویژه دستگیری دو سازمان مهم چریکی تا حدودی از اثر آن
می‌کاهد.

از سوی دیگر دانشگاه‌های تهران، شیراز ملی و صنعتی شریف و... صحنه تظاهرات و
اعتصابات است.

در این میان، فریاد امام را در پرخاش به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله طنینی ویژه است.
در نگاهی دیگر جلسات سخنرانی طیف هواداران نهضت مانند: مسجد هدایت، مسجد جامع
نارمک، مسجد الجواد، هیأت انصارالحسین، هیأت محبان‌الحسین و حسینیه ارشاد با شوری بیشتر
برگزار می‌شود. گرچه اختلاف آیت‌الله شهید مطهری با دکتر شریعتی به اوج می‌رسد، چنان‌که قطع
ارتباط شهید مطهری به شدت پرسش‌انگیز می‌شود و می‌رود که دکتر شریعتی و حسینیه ارشاد به فتنه
شهید جاوید گره بخورد و بر مشکلات نهضت بیفزاید.

در همین سال آیت‌الله شهید بهشتی در مراجعت از آلمان در حسینیه ارشاد به اعلام مواضع
فرهنگی می‌پردازد که آن نیز دستاویزی دیگر برای فتنه‌جویان به پرچمداری شیخ حسین لنگرانی و
کارگردانی عزیز ریخته‌گر می‌شود.

به‌هرحال، اصفهان و نجف‌آباد در گرداب فتنه می‌افتد، چنان‌که می‌رود که نهضت یکسره فراموش شود.

با نمایش فیلم محلل، سینما نیز موضوع سیاسی و فرهنگی روز می‌شود که خود داستان دیگری دارد.

درگذشت آیت‌الله میرزا محمدتقی‌آملی نیز از رویدادهای مهم این سال است. فوت مرحوم حاج‌میرزا عبدالله مسیح تهرانی نیز جنبه سیاسی به‌خود می‌گیرد، چرا که از مجلس یادبود او آقای فلسفی جهت دفاع از امام در پاسخ به اهانت پرفسور اعلم (در مجلس سنا) بهره می‌گیرد و از نارضایتی ناشی از سخنرانی بر ضد عراق - که به‌هرحال هم‌نوایی با رسانه‌های رژیم تلقی می‌شود - می‌کاهد.

محورهای پژوهش:

پی‌آمدهای سیاسی رشد تولید نفت.

ریشه‌یابی حرکت مسلحانه در ایران و میزان نفوذ بیگانه در آن.

نقش مسجد هدایت در انقلاب اسلامی ایران.

تکرار بحث بالا در مورد مسجد جامع نارمک، مسجد الجواد، هیأت اناصر الحسین.

مسجد لرزاده، هیأت فاطمیه و بنی فاطمه...

نقش دانشگاه تهران در انقلاب اسلامی ایران.

نقش دانشگاه شیراز در انقلاب اسلامی ایران.

نقش دانشگاه صنعتی شریف در انقلاب اسلامی ایران.

نقش دانشگاه ملی در انقلاب اسلامی ایران.

نقش مدرسه کمال در انقلاب اسلامی ایران.

نقش حسینیه ارشاد در انقلاب اسلامی ایران.

سینمای ایران در سال‌های ۳۹ تا ۴۵.

سینمای ایران در سال‌های ۴۵ تا ۵۰.

سیاست هنری حاکم بر رادیو و تلویزیون در سال‌های ۳۹ تا ۴۵.

سیاست هنری حاکم بر رادیو و تلویزیون در سال‌های ۴۵ تا ۵۰.

فیلم‌های سیاسی.

سریال‌های سیاسی.

جشن‌های دوهزاروپانصدساله، علل برگزاری و انعکاس آن در خارج، بررسی

علت‌های شرکت مؤثر سران کشورهای کمونیستی در این مراسم و شرکت ضعیف

رؤسای کشورهای غربی در آن.

جایگاه آیت الله میرزا محمدتقی آملی در انقلاب.
نقش آقای فلسفی در انقلاب اسلامی ایران.
زمینه‌های اختلاف در حسینیه ارشاد.
نقش آیت الله شهید مطهری در تأسیس و شکل‌گیری حسینیه ارشاد.

محورهای پژوهش:

پی‌آمدهای سیاسی رشد تولید نفت.
ریشه‌یابی حرکت مسلحانه در ایران و میزان نفوذ بیگانه در آن.
نقش مسجد هدایت در انقلاب اسلامی ایران.
تکرار بحث بالا در مورد مسجد جامع نارمک، مسجد الجواد، هیأت اناصرالحسین،
مسجد لرزاده، هیأت فاطمیون و بنی فاطمه...
نقش دانشگاه تهران در انقلاب اسلامی ایران.
نقش دانشگاه شیراز در انقلاب اسلامی ایران.
نقش دانشگاه صنعتی شریف در انقلاب اسلامی ایران.
نقش دانشگاه ملی در انقلاب اسلامی ایران.
نقش مدرسه کمال در انقلاب اسلامی ایران.
نقش حسینیه ارشاد در انقلاب اسلامی ایران.
سینمای ایران در سال‌های ۳۹ تا ۴۵.
سینمای ایران در سال‌های ۴۵ تا ۵۰.
سیاست هنری حاکم بر رادیو و تلویزیون در سال‌های ۳۹ تا ۴۵.
سیاست هنری حاکم بر رادیو و تلویزیون در سال‌های ۴۵ تا ۵۰.
فیلم‌های سیاسی.
سریال‌های سیاسی.
جشن‌های دوهزاروپانصدساله، علل برگزاری و انعکاس آن در خارج، بررسی
علت‌های شرکت مؤثر سران کشورهای کمونیستی در این مراسم و شرکت ضعیف
رؤسای کشورهای غربی در آن.
جایگاه آیت الله میرزا محمدتقی آملی در انقلاب.
نقش آقای فلسفی در انقلاب اسلامی ایران.
زمینه‌های اختلاف در حسینیه ارشاد.
نقش آیت الله شهید مطهری در تأسیس و شکل‌گیری حسینیه ارشاد.

سال ۱۳۵۰ - سیاست خارجی شاه در موضع میانجی اعراب و اسرائیل

نشانه‌هایی از توفیق ایران در خط موازنه با شوروی در نگاه می‌نشیند. در جنگ اعراب و اسرائیل تحولاتی پیش می‌آید که از مشکل ایران در سیاست خارجی می‌کاهد، تحولاتی مانند: گرایش شدید مصر به سازش، جایگزینی سادات به جای ناصر و رابطه بهتر با ایران و امریکا، برخورد خونین اردن با نیروهای فلسطین. این همه، به شاه امکان می‌دهد که با همکاری عربستان به عنوان میانجی در صحنه حضور یابد و گهگاه به اسرائیل تشری هم بزند. در عین حال اتحاد جماهیر عرب در تکاپوی یافتن گامجایی مطمئن تر در معادلات است که البته به دلیل وضع خاص مصر، ناکامیش قابل پیش‌بینی است.

روابط مصر و شوروی به وخامت می‌گراید و کارشناسان شوروی اخراج می‌شوند. استقلال بحرین اعلام می‌شود و جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی مسأله روز می‌شود که روابط ایران و انگلیس را به بحران می‌کشاند و رابطه عراق با ایران قطع می‌شود. بدرفتاری حزب بعث با ایرانیان، فضای روابط آن حزب را با حوزه نجف تیره‌تر می‌کند و امام به‌رغم تنگناهایی که به ظاهر مدارا با حزب بعث را به حکم ضرورت توجیه می‌کند - در موضع برخاش سخت قرار می‌گیرد. مشکلات امریکا در ویتنام، قطع رابطه سوریه و اردن به رسمیت شناخته شدن چین کمونیست از سوی ایران نیز رویدادهایی مهم در این سال به‌شمار می‌روند.

محورهای پژوهش:

- روابط ایران با مصر پس از ناصر.
- سه‌تامبر سیاه.
- تحول در سیاست خارجی مصر در سال‌های ۴۸-۵۰.
- روابط ایران و انگلیس در سال‌های ۴۸-۵۰.
- تحول در سیاست خارجی ایران در ارتباط با چین و زمینه‌های آن.
- امام و حزب بعث.

سال ۱۳۵۱ - سیاست داخلی
موج مبارزات مسلحانه
در پی گستردگی موج مبارزات مسلحانه، مقررات شدیدی در مبارزه با قاچاقچیان اسلحه

به تصویب رسید. موج مبارزات مسلحانه همچنان گسترش می‌یافت و در این سال بیش از ۱۳ مورد انفجار مهم، ۱۲ زده‌خورده خیابانی، هشت مورد اعدام فردی و گروهی و صدها مورد دستگیری گزارش شد. دانشگاه‌ها همچنان متشنج بود، و به‌ویژه شورش در دانشگاه تبریز نگرانی خاصی برای رژیم ایجاد کرد و هیأتی برای بررسی علل آن اعزام شد.

در این سال سرهنگ مولوی (فرمانده عملیات فیضیه در فروردین ۴۲) در اثر سانحه هلی‌کوپتر درگذشت و سرتیپ طاهری رهبری سرکوب بازار به قتل رسید.

فیضیه، صحنه تظاهرات مکرر بود که سربازگیری از طلاب را - علاوه بر دستگیری - در پی داشت. امام طلاب را به رفتن به سربازخانه‌ها و فراگیری طرز استفاده از سلاح تشویق کرد. سفر نیکسون به ایران، فرصتی برای نمایش خشم مردم شد و او در ایام اقامتش در تهران شاهد انفجارهای پی‌درپی بود، و به‌هنگام رفتن از بدرقه‌ای انقلابی - علاوه بر بدرقه رسمی - بهره‌مند شد.

دولت تصمیم خود را مبنی بر جلوگیری از تدریس دانشجویان اعلام کرد. حسینیه ارشاد، مسجد هدایت و مسجد الجواد از سوی ساواک تعطیل شد.

در این حال، سپاه دین کار خود را آغاز کرد که مفتضح‌ترین برنامه‌ها در انقلاب سفید شاه بود.

محورهای پژوهش

مجله این هفته از پیدایش تا انفجار.

شورش دانشگاه تبریز در سال ۵۱.

سفر نیکسون به ایران در سال ۵۱.

تغییرات وزارت کشور در سال ۵۱.

فلسفه تشکیل سپاه دین و کارنامه آن.

سال ۱۳۵۱ - سیاست خارجی

تهران، میزبان نیکسون و کاسیگین

سفر نیکسون به ایران و مذاکراتش با شاه، بهبود در روابط ایران با انگلیس و سفر شاه و فرح به آن کشور، سفر فرح و هویدا به چین و سفر کاسیگین در رأس یک هیأت سی‌ویک نفره به ایران، شکست امریکا در ویتنام، به قدرت رسیدن آئنده در شیلی، تعیین ریچارد هلمز به عنوان سفیر امریکا در تهران و تعیین اردشیر زاهدی به عنوان سفیر ایران در امریکا از رویدادهای مهم این سال است که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

در این سال چرخش مصر به سمت امریکا شتاب بیشتری یافت و سادات به تصفیه

روشنفکران در مصر پرداخت.

مسأله جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک همچنان عامل تشنج در روابط ایران با کشورهای عربی بود.

مزرهای ایران شاهد تجاوزهای پی در پی از سوی عراق بود.

در پاکستان انبار اسلحه‌ای کشف شد که مربوط به مبارزات مسلحانه در ایران معرفی شد و قطع رابطه دو کشور را در پی داشت.

در پایان سال مذاکره با عراق از زبان هویدا زمزمه شد.

درگیری و جنگ اعراب و اسرائیل در مزرهای مختلف همچنان تکرار می شد در تل آویو انفجارهایی رخ داد.

ارتباط مبارزه مسلحانه ایران با سازمان الفتح در رسانه‌ها مطرح شد.

محورهای پژوهش:

سفر کاسیگین به ایران.

سفر هویدا و فرح به چین.

روابط گروه‌های مسلح ایران با سازمان الفتح.

سال ۱۳۵۲ - سیاست داخلی

تبعید فضلا و مدرسین قم

رژیم شاه که رفته‌رفته حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه قم را کانون خطری تشخیص داده بود و مساجد، حسینیه‌ها و هیأت‌های مذهبی را شبکه‌ای خطرناک، می‌کوشید که از سپاه دین در تضعیف این نیروهای عظیم بهره‌بردارد که در این سال امام افشاگری در این زمینه را به‌عنوان محوری اساسی در سخن و پیام خود انتخاب کردند.

موج مبارزه مسلحانه در این سال - در مقایسه با سال ۵۱ - نسبتاً فروکش کرده بود، هرچند که همچنان موجی نیرومند و نگران‌کننده می‌نمود. به‌ویژه ترور «هاوکینز» امریکایی که انعکاسی گسترده داشت.

۲۵ تن از فضلا و مدرسین حوزه قم به‌جای‌جای کشورهای تبعید شدند. این تبعیدها پی‌آمد دستگیری مرحوم ربانی شیرازی - در ارتباط با گروه مسلح ابوذر و ترور پاسبانی در قم - بود.

از هر بهانه - حتی مسأله گوشت منجمد به‌بهانه ذبح غیرشرعی - بر ضد رژیم استفاده می‌شد.

افزایش قیمت نفت در این سال ابعاد سیاسی به‌خود گرفته بود.

انتقاد حزب مردم از دولت اندکی بیش و جدی‌تر از جنگ زرگری می‌نمود.

در رسانه‌های رژیم از ارتباط چریک‌ها با لیبی بهره‌برداری تبلیغاتی می‌شد. درگذشت الهی قمشه‌ای، ساعد و محمد حجازی را نیز می‌توان از رویدادهای تأمل‌انگیز این سال به شمار آورد.

محورهای پژوهش:

پی‌آمد تبعید فضلا و مدرسین قم در سال ۵۲.
گروه ابوذر و ویژگی‌های آن.
افزایش قیمت نفت در سال ۵۲ و پی‌آمدهای آن.
جایگاه الهی قمشه‌ای و نقش او در تفاهم حوزه و دانشگاه.
جایگاه ساعد در تاریخ معاصر.
جایگاه محمد حجازی در تاریخ معاصر.

سال ۱۳۵۲ - سیاست خارجی تعطیل دفتر بی‌بی‌سی در تهران.

اشغال بخشی از خاک کویت توسط عراق و لغو قرارداد مرزی میان دو کشور، اتحاد سازمان الفتح و جبهه جرج حبش، افزایش چشمگیر ارسال اسلحه از شوروی به عراق، حمایت عربستان و اردن از کویت، درگیری ارتش لبنان با چریک‌های فلسطین، جنگ رمضان، طرح کیسینجر برای صلح اعراب و اسرائیل، حضور سربازان صلح از شوروی و امریکا در جبهه‌های جنگ سینا و بلندی‌های جولان، شرکت ایران در سرکوب شورشیان ظفار، کودتا در افغانستان و اعلام جمهوریت، سفر شاه و فرح به اروپا و امریکا، ایجاد رابطهٔ سیاسی ایران با ویتنام شمالی، سفر هویدا به شوروی، شورش در عراق و سوریه، سفر بوتو به تهران، سفر ملک‌حسین به تهران، وحدت لیبی و تونس، تعطیل دفتر بی‌بی‌سی در تهران، برخورد سوریه با نیروهای فلسطینی، اعلامیهٔ مشترک حزب توده و حزب کمونیست عراق و قرارداد صلح هند و پاکستان، رویدادهای مهمی هستند که در نگاه تاریخی ارزش نقد و تحلیل دارند.

محورهای پژوهش:

زمینهٔ برخورد عراق و کویت در سال ۵۲.
جبهه‌گیری اعراب در جریان اشغال کویت در سال ۵۲.
پی‌آمدهای جنگ رمضان در سال ۵۲.

طرح کیسینجر.
اعزام نیرو و از ایران به ظفار و پی آمدهای آن.
وحدت لیبی و تونس در سال ۵۲ و زمینه‌های آن.
زمینه‌های اعلام جمهوریت در افغانستان در سال ۵۲.
زمینه‌های درگیری سوریه با نیروهای فلسطینی.
زمینه‌های درگیری ارتش لبنان با نیروهای فلسطینی.

سال ۱۳۵۳ - سیاست داخلی

هرچند موج مبارزه مسلحانه - حتی در مقایسه با سال ۵۲ - فروکش کرده بود. حادثه قابل ملاحظه در این سال، کشته شدن سروان نوروزی است ولی زندان‌های سیاسی به صورت کانون خطرناکی درآمده بود. زندان در اختیار گروه‌های مسلح بود. و اگر افرادی در هر سطح - چشم‌وگوش بسته خود را به جو حاکم بر زندان نمی‌سپردند، فشار مضاعفی را باید پذیرا می‌شدند. اکثر طلاب جوان نیز در جو زندان هضم می‌شدند.
هرچند که حرمت امام در میان زندانیان سیاسی به‌ظاهر محفوظ بود. ولی عملاً رهبری در اختیار گروه‌های مسلح بود.
درگذشت آقای غفاری که عنوان شهادت در اثر شکنجه به‌خود گرفت، پی آمدهای گسترده‌ای داشت.
آیت‌الله خامنه‌ای که در مشهد محور مبارزه بود، دستگیر و زندانی شد.
درگذشت آیت‌الله شاهرودی در نجف نیز از رویدادهای مهم این سال به‌شمار می‌رود.
موضع‌گیری‌های حزب مردم در این سال و پی آمدها و نمودهای آن در مجلس نیز، در این سال قابل تأمل است.

محورهای پژوهش:

زندان قصر در سال‌های ۵۲-۵۳.
رابطه گروه‌های مسلح با توده‌های مردم.
درگذشت مرحوم غفاری در زندان و پی آمدهای آن.

سال ۱۳۵۳ - سیاست خارجی

سفر شاه به مسکو

بیش و کم اختلاف نظری میان شاه و امریکا در مورد افزایش قیمت نفت جلب توجه می‌کند، و پیشنهاد کیسینجر به شاه در مورد نوعی مشارکت با ایران قابل تأمل است. اخطار عرفات به اعراب به‌ویژه سادات، تیرگی روابط عرفات و عراق، آتش‌بس ایران و عراق، تشنج در کردستان، سفر نیکسون به ایران، ماجرای واترگیت و استعفای نیکسون و ریاست جمهوری جerald فورد، تجزیه در سازمان فلسطین، سفر کیسینجر به تهران، شرکت عرفات در سازمان ملل، سفر شاه به مسکو، رأی سازمان ملل به تشکیل کشور فلسطین، محکومیت اسقف کاپوچی در اسرائیل، تشکیل کنفرانس اوپک در الجزایر و قرارداد ایران و عراق در الجزایر، تهدید امریکا در مورد افزایش قیمت نفت و برخورد کیسینجر و زاهدی و سفر شاه و فرح به مصر و اردن، رویدادهای مهمی هستند که نیاز به بررسی و تحلیل دارند.

محورهای پژوهش:

رابطه ایران و امریکا در دوران ریاست جمهوری جerald فورد.

موضع ایران در مورد قیمت نفت در سال ۵۳.

موضع امریکا در مورد قیمت نفت در سال ۵۳.

نقش الجزایر در آشتی ایران و عراق.

موضع اعراب در برابر سازمان فلسطین.

اختلاف نظر ایران با کنفرانس خلیج در مورد قیمت نفت.

سال ۱۳۵۴ - سیاست داخلی

تشکیل حزب فراگیر رستاخیز.

مرامنه و اساسنامه حزب رستاخیز در سطح گسترده‌ای انتشار یافت.

امام در پیام خود به نشانهٔ سالانهٔ اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا و همچنین

در پیامی دیگر خطاب به هفدهمیر کنگرهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا، محور

اصلی را افشاگری علیه حزب رستاخیز قرار داد.

در این سال دو رویداد مهم دیگر رویدادها را تحت الشعاع قرار داد:

(۱) شورش عمیق و گسترده در فیضیه به‌عنوان برگزاری مراسم ۱۵ خرداد که پی‌آمدهایی

بسیار مهم داشت و از حمایت مراجع در برابر تبلیغات رسمی رژیم برخوردار شد. امام نیز با پیامی بسیار تند در این زمینه بر اهمیت آن افزود. هرچند که پاره‌ای شواهد حکایت از دخالت گروه‌هایی داشت که مورد حمایت امام نبودند. در پی این شورش آیت الله منتظری از تبعیدگاه طبرس دستگیر و زندانی شد. نقش گروه ضربت در کارگردانی این شورش و جلب حمایت صریح مراجع، نقش مهمی بود. گروه ضربت را می‌توان گروهی خودرو شمرد که عواملی چند - سیاسی و فرهنگی و احیاناً متناقض - در پیدایش و شکل‌گیری آن نقش داشت. این گروه مخالفان مبارزه را به شکل‌های مختلف تحت فشار قرار می‌داد و خود نیز به نارسایی‌هایی دچار بود.

۲) افشای ماهیت سازمان مجاهدین خلق با دستگیری وحید افراخته، محسن خاموشی، صمدیه لیاف و خلیل فقیه دزفولی که مصاحبه‌اش بسیاری از هواداران این سازمان را بهت‌زده کرد. سازمان مجاهدین خلق که از سویی به غرور دچار شده بود از دیگر سو عناصر بیگانه در آن نفوذ داشتند، مواضع مارکسیستی اعلام کردند و به نصیحت علمای مبارزی که نقش اساسی را در حمایت آنان داشتند و واقعی نهادند و آنان را به ترور تهدید کردند. حضرات طالقانی، رفسنجانی، مهدوی کنی و لاهوتی در این ارتباط دستگیر شدند و تجمع آنان و جمعی دیگر از جمله آیت الله منتظری در زندان اوین، فرصت خوبی بود برای چاره‌اندیشی برای این فاجعه سیاسی و فرهنگی. تبدیل تاریخ هجری به تاریخ شاهنشاهی نیز رویداد مهمی در این سال بود که برای رژیم بسیار گران تمام شد.

در این سال شمار برخوردهای مسلحانه زیاد بود که با نظایر آن در گذشته تفاوتی ظریف داشت که در آینده به توضیح آن می‌پردازیم.

آتش سوزی در منی، درگذشت حضرات آیات میلانی، میرزا احمد آشتیانی و آیت الله بهبهانی نیز از رویدادهای مهم این سال است. مرگ ارتشبد خانمی در سانحه هوایی نیز قابل ملاحظه است، به‌ویژه به شایعه‌هایی که پس از آن پیش آمد.

پرتال جامع علوم انسانی

محورهای پژوهش

بررسی علل داخلی و خارجی تشکیل حزب رستاخیز و آثار آن در داخل و

خارج.

بررسی مرامنامه احزاب طرفدار رژیم.

بررسی گروه ضربت قم.

بررسی زمینه‌های ارتداد سازمان مجاهدین خلق.

تحلیل سیاسی زندگی حضرات آیات: میلانی، آشتیانی و بهبهانی.

تبدیل تاریخ و بی‌آمدهای آن.

سال ۱۳۵۴ - سیاست خارجی موضوع گیری های سؤال برانگیز شاه

در پی موافقت نامه الجزایر، آتش جنگ کردهای عراقی با عراق نیز خاموش شد، زندانیان دوکشور مبادله شدند، هویدا به عراق سفر کرد و ارتباط چنان شد که سه‌کرد به‌جرم ربودن يك هواپیمای عراقی در تهران اعدام شدند.

این توافق موازنه‌ای در سیاست خارجی ایران نیز به‌شمار می‌آمد و مورد ستایش مقامات رسمی چین کمونیست نیز قرار گرفت. اظهارات شاه بیانگر آن بود که جز با فیدل کاسترو، با دیگر رهبران چپ مسایل فیصله یافته است.

سفر شاه و فرح به امریکا و فرانسه، موضع‌گیری شاه در برابر تهدید امریکا در ارتباط با گرانی قیمت نفت، انتقاد شاه از اسرائیل به‌دلیل کارشکنی در راه اجرای طرح کیسینجر، ابراز نگرانی شیوخ خلیج فارس از نزدیکی ایران و امریکا، به‌رسمیت شناخته‌شدن حقوق ملت فلسطین در سازمان ملل و ابراز خشم امریکا و اسرائیل از این تصمیم، درگیری فلسطینی‌ها و فالانژها در لبنان و میانجی‌گری کنفرانس اسلامی، اعلام جمهوری اسلامی در بنگلادش و کودتای پس از آن، سفر حافظ اسد به ایران و حمله مسلحانه به‌مقر اوپک در وین و گروگان‌گیری جمشید آموزگار، رویدادهایی مهم در این سال هستند که زمینه‌های بررسی و تحلیل سیاسی و تاریخ به‌شمار می‌آیند.

شایع چنین بود که بومدین در حاشیه کنفرانس الجزایر با شاه به‌سود دکتر شریعتی گفتگویی داشته که در آزادی وی مؤثر بوده است.

محورهای پژوهش: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رقابت شاه و عربستان در نزدیکی به امریکا.
عوامل تحریک شاه در موضع‌گیری در قیمت نفت.
تأثیر موافقت نامه الجزایر در سیاست خارجی ایران.
قرارداد ۱۹۷۵ و قبول خط تالوگ به‌عنوان مرزآبی ایران و عراق.
قرارداد ۱۹۷۵ و تأثیر آن بر مبارزه کردان عراقی و حذف سیاسی ملامصطفی
بارزانی از صحنه سیاست و در پی آن، تأثیر این قرارداد در راحت شدن خیال شاه از
خطر همسایه و در نتیجه، پرداختن او به حل مسائل داخلی.

سال ۱۳۵۵ - سیاست داخلی افشای انحراف مجاهدین خلق

در پی قتل یکی از عالمان سالخورده اصفهان (شمس آبادی) موجی از تبلیغات بر ضد نهضت - و به سود رژیم - برخاست و نام گروه هدفی‌ها بر سر زبان‌ها افتاد. در پی گیری این جریان قتل تنی چند - روحانی و غیرروحانی - افشا شد.

شاه در یکی از مصاحبه‌ها از وصیت نامه خود سخن به میان آورد که با آگاهی وی از بیماریش ارتباط داشت. در سال‌های گذشته نیز هر از گاه چنین اظهاراتی زمزمه می‌شد. موج زدو خورد مسلحانه در این سال به اوج رسید. این اوج‌گیری نه به دلیل نیرومندی سازمان‌های چریکی، بل به دلیل متلاشی شدن آنها بود، چیزی مانند انتحار. ترور مستشاران امریکایی و نیز ترور همایون کیکاووسی در پاریس، بازتابی گسترده داشت، و پی‌آمدهایی خبرساز.

کار گروه‌های مسلح تمام شده به نظر می‌رسید و چیزی در مایه عفو عمومی برای کسانی که خود را تسلیم کنند، اعلام شد.

از توطئه ترور فرزند امام - حاج سیدمصطفی، - زمزمه‌هایی شنیده می‌شد. گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شدند.

محمد همایون، نروتمند حامی دکتر شریعتی و حسینیه ارشاد زندگی را بدرود گفت.

محورهای پژوهش:

تحلیل و بررسی قتل شمس آبادی. ملاقات فرنگی

تحلیل و بررسی بیماری شاه.

فروپاشی سازمان‌های چریکی در سال ۵۴-۵۵.

سال ۱۳۵۵ - سیاست خارجی

ریاست جمهوری کارتر

انتقاد سنای امریکا از فروش اسلحه به ایران، انکار اتکاء ایران به امریکا در سخنان شاه، تعیین پرویز راجی به عنوان سفیر ایران در انگلیس، ریاست جمهوری کارتر، اخطار کارتر به اوپک در مورد قیمت نفت، بیانیه سازمان عفو بین الملل در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران، اعتراض هویدا علیه رسانه‌های جهانی در این زمینه، ملاقات شاه و راکفلر در جزیره خارک، سفر ژسکار دستن

و سفر وزیر خارجهٔ عراق به ایران، جنگ لبنان با نیروهای فلسطینی و میانجی‌گری کنفرانس سران اسلامی، سقوط تل‌زعترو درگذشت مائو تسه‌دون، رویدادهای مهم این سال شمرده می‌شوند که زمینه‌های بررسی و تحلیل‌اند.

محورهای پژوهش:

دوگانگی جناح‌ها در امریکا در ارتباط با مسایل ایران در سال ۵۵.
تأثیر ریاست جمهوری کارتر بر اوضاع سیاسی ایران.

سال ۱۳۵۶ - سیاست داخلی فضای باز سیاسی

بهر دلیل -دکترین حزب دموکرات، گوشمالی شاه به‌کیفر پاره‌ای فضولی‌ها، تضاد جناح‌های اقتصادی و سیاسی در درون حاکمیت امریکا، بیماری شاه و نگرانی از سرنوشت ایران پس از او... فضای باز سیاسی به‌رژیم تحمیل شد با چنین نشانه‌ها و پی‌آمدها:
تأکید فرح، هویدا، هوشنگ انصاری و وزیر اطلاعات در فرصت‌های مختلف بر ضرورت انتقاد.

نامهٔ بازگان به‌مراجع قم در اعتراض به محکومیت آیت‌الله طالقانی.

لغو قانون محاکمه سری نظامی.

عفو زندانیان سیاسی در چندین نوبت.

برداشته شدن شکنجه و بهبود وضع زندان.

برداشته شدن گارد دانشگاه.

بیانیه‌های احزاب مخالف و نامه‌های سرگشاده.

درج پاره‌ای خبرهای مردمی و تظاهرات در رستاخیر و سپس روزنامه‌های دیگر.

بازدید صلیب سرخ از زندانی‌ها.

استعفای هویدا و آمدن جمشید آموزگار.

استعفای نیک‌پی (شهردار تهران).

تظاهرات گسترده در دانشگاه‌ها.

تظاهرات مردم در شهرستان‌ها.

اعلام موجودیت جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر.

جلسات سخنرانی با صراحت بیشتر، ویژه جلسات مسجد قبا در ماه رمضان بهره‌گیری

سیاسی از پاره‌ای مجالس ترحیم.

امام در فرصت‌های مختلف، هواداران نهضت را به حضور جدی در صحنه برمی‌انگیخت. در کشورهای اروپا و آمریکا موجی گسترده به‌راه افتاد و چندین سفارت‌خانه ایران اشغال شد. تحصن روحانیون و اعتصاب غذا در سینمای سن مری پاریس بازتابی گسترده داشت. در این میان درگذشت مشکوک دکتر شریعتی، موجی دیگر به‌وجود آورد که از مسجد اراک در مجلسی که به‌مناسبت درگذشت میرزا حسین معادینخواه از سوی گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی، مذهبی - اعلام شده بود - آغاز شد.

این همه را رژیم تاب می‌آورد که ناگهان مرگ مشکوک فرزند امام آیت‌الله سیدمصطفی، زلزله‌ای سیاسی پدید آورد و قدرت عظیم مردم را در اجتماعاتی عظیم در سراسر کشور به‌نمایش گذاشت. به‌ویژه در مراسم اربعین وی در مسجد اعظم قم، صبح و بعدازظهر که در پی آن جمعی از فضلا و مدرسین قم به‌جای جای کشور تبعید شدند و هر تبعیدگاه پایگاهی شد برای انقلاب، رژیم که تسلط بر اعصاب خود را به‌کلی از دست داده بود اهانت به‌امام را به‌عنوان واکنش برگزید که شورشی خونین در قم را - در ۱۷ دی - سبب شد و سپس در اربعین قم تیریز و در اربعین تبریز یزد و... شاه از حزب رستاخیز چشم‌پوشی داشت که سمیناری تشکیل داد و در پی آن میتینگ‌های فرمایشی در سراسر کشور برپا شد که شمار آن ۷۰۰ گزارش شد. ولی میتینگ‌های فرمایشی حزب رستاخیز کجا و رستاخیز مردم کجا؟ جالب این‌که در آن ایام تشکیل کمیته روحانیون حزب از جمله تدابیر حضرات بود!

امام همچنان فرمان پیشروی می‌داد و در موردی باصراحت سقوط رژیم را نوید می‌داد. در فضایی آن‌چنان، روحانیت مبارز را تشکلی نیرومند در تهران و قم فراهم شده بود که در ارتباط تنگاتنگ با نجف، حرکت عظیم را رهبری می‌کرد.

حرکت عظیم مردمی چنان بود که زدوخوردهای مسلحانه‌ای که شمار آن قابل ملاحظه می‌نمود و خواستگاهی متفاوت با گذشته داشت، در آن گم بود. چنان‌که مسئله محاکمه گروه هدفی‌ها و احکام اعدام که مدتی مسئله روز بود، گویی هیچ نبود. و نیز انشعاب نگران‌کننده‌ای که - به‌دلیل موضع‌گیری‌های متفاوت در برابر ارتداد و نفاق سازمان موسوم به مجاهدین خلق ایران - در صف طرفداران نهضت پدید آمده بود. خود به‌خود ترمیم شد. مردم خود را به امام سپرده بودند و امام حرف آخر را می‌زد و هر گروه و شخصیت را از هم‌رنگ شدن با جماعت‌گزیری نبود که اگر هم‌رنگ نمی‌شد رسوا بود.

سال ۱۳۵۶ - سیاست خارجی

کارت در روزهای نخست ریاست جمهوری از یکسو رژیم شاه و از دیگر سو اسرائیل را زیر فشار گذاشت. چنان‌که به‌رغم نفرت عمیق مردم از آمریکا، فرصت مغالطه یافت. شاه که پیش از این عرویزی داشت، شتابزده لنگ انداخت و موافقت خود را با ارزیابی قیمت نفت فریاد زد و کوس

اکلت العذره را هرچه پرکوب تر بناوخت.

کارتر نیز در پاسخ این رشوه سخاوتمندانه بزرگواری کرد و توبه شاه را پذیرا شد. هر دو بر این باور که سرنوشت مبارزه را ایشان اند که رقم می‌زنند. غافل از این که اگر در ایجاد فضای باز نقشی داشتند. اینک که مردم فرصت حضور در صحنه یافته‌اند، دیگر دربار و ارباب نقش خود را باخته‌اند. چنین بود که نه اعلام موافقت کارتر در تحویل آواکس‌ها به ایران - و مقاومت در برابر کنگره -، نه سفر وزیر خارجه آمریکا به ایران، نه دیدار فرح از کارتر در کاخ سفید، نه گفتگوهای محرمانه ایران و آمریکا در مردادماه، نه سفر راکفلر به ایران، نه سفر شاه به آمریکا و نه سفر کارتر به تهران و نه... هیچ‌یک را کمتر اثری نبود و شاگرد و مرشد، هر دو بهت زده و مات، تماشاگر بازی سرنوشت بودند. در چنان فضایی، رویدادهایی مانند: فرصت‌طلبی‌های آلمان و فرانسه در ماهی‌گیری از آب تیره، پیروزی حزب لیکود در اسرائیل، جنگ مصر و لیبی، سفر سادات به اسرائیل و شروع مذاکرات و سپس قطع ناگهانی آن، اعدام سرلشکر مقربی و دیگری به عنوان جاسوس شوروی، سفر شاه به مصر، سفر شاه و فرح به هند، قطع رابطه ایران با کنیا، که هر یک رویدادی با اهمیت اند، گویی هیچ اهمیتی نداشتند. و جالب توجه نیستند، تنها سفر وزیر خارجه ایران به عراق توانست جلب توجهی کند. آن هم به دلیل شایعه نقش این سفر در انتقام امام از عراق.

سال ۱۳۵۷ - یادداشت ویژه

سال ۵۷ را، با ویژگی‌هایی در تاریخ ایران اسلامی، سالی ممتاز باید شمرد؛ سالی سرنوشت‌ساز و لبریز از خبر و سرشار از رویدادهای مهم، سالی که بهارش طلایه پیروزی انقلاب بود و زمستانش بهار آزادی لقب گرفت.

سال ۵۷، صحنه نمایشی پرشکوه شد از قدرت اراده ملی و وحدت و یکپارچگی مردم که رمز هر موفقیت و کامیابی است. سال ۵۷، مرهمی شد بر زخم‌های بیکر ایران و ایرانی که هیچ جای آن را نمی‌توان از زخمه تیغ و دشنه و سرنیزه و تازیانه دزخیمان حکمران در بستر طولانی زمان سالم یافت و راستی را که تجسم کامل درد و زخم و ایلغارش باید شناخت.

چه می‌گوییم؟ سال ۵۷ و ویژگی‌هایش را هیچ تعریف و توصیفی گنجا نیست، با رازورمی ناشناخته که ارزش آن با هزاران سال قیاس نه‌پذیرفتنی است.

با اعتراف به ناتوانی در ترسیم سیمای سیاسی و فرهنگی این مقطع تاریخ‌ساز، به‌ناگزیری هر ماه سال ۵۷ را تماشاگر می‌شویم و به جمع‌بندی گذرایی از رویدادهای سیاسی آن می‌پردازیم.

فروردین سال ۱۳۵۷ - سیاست داخلی
نسیم آزادی در بهار ۵۷

بهار ۵۷، بهار آزادی را نوید می داد و در نخستین لحظه های تحویل سال نشانه های تحول در نگاه می نشست از آن جمله: شمار زیادی از مردم همراه با خانواده زندانیان سیاسی، محوطه بیرونی زندان را صحنه حضوری شورانگیز ساختند که از سوی پلیس مورد یورش قرار گرفتند... از پیام نوروزی شاه نیز، بوی مرگ رژیم به مشام می رسید.

زندانیان قصر دست به اعتصاب زدند که بازتابی گسترده و جهانی یافت. اتحادیه دانشجویان کشورهای اسلامی اعلام کرد که شاخه های آن در انگلیس، فرانسه و ایتالیا به حمایت از مردم ایران دست به اعتصاب غذا خواهند زد. صد دانشجو نیز از دوسلدرف به سوی کلن به همین انگیزه راه پیمایی کردند. مهندس بازرگان و دکتر سعابی نیز در حمایت از زندانیان نامه ای به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال داشتند، و با تلگرامی از بخش سوئدی سازمان عفو بین الملل، شاه زیر فشار بیشتری قرار گرفت.

در این حال، ایران اسلامی در تدارک برگزاری اربعین شهدای تیریز بود. امام طی اعلامیه ای این روز را عزای عمومی اعلام کرد و پس از چندی آیات و مراجع وقت: گلپایگانی، نجفی، شریعتمداری، بهاء الدین محلاتی، سید عبدالله شیرازی و نیز علمای مشهد و علمای تهران این امر را مورد تأکید قرار دادند.

چنین بود که در همان دهه اول فروردین، موج تظاهرات همه جا را فرا گرفت و تعطیل بازار و تظاهرات مردم تهران، اصفهان، آبادان، آباد، مشهد، قم، قزوین، بهبهان، خرم آباد، زنجان، بابل، تبریز، ساوه، زاهدان، خوی، خرمشهر، لار، الیگودرز و جهرم در مطبوعات نیز انعکاس خوبی یافت و تظاهرات مردم یزد و جهرم به خون کشیده شد که خود موجی دیگر را در پی داشت:

مراجع و علما به آیت الله صدوقی تسلیت گفتند، که نامه آیت الله خامنه ای از تبعیدگاه به ایشان با ویژگی هایی مطرح بود.

در شهر قم تظاهرکنندگان به فیضیه رفتند و آن را بازگشایی کردند که در رسانه های جهانی نیز خبر آن منتشر شد.

تظاهرات اصفهان، تبعید آقایان طاهری و احمدی را به دنبال داشت که خود پی آمدهایی را زمینه ساز شد.

اعتصابات کارگری نیز آغاز می شد، از جمله اعتصاب در ماشین سازی تبریز تلاش رژیم در برخورد با این امواج خروشان، بسیار ابلهانه می نمود در مثل:

حزب رستاخیز که دارای دو جناح به اصطلاح سازنده و پیشرو بود، جناح سازنده را به صحنه آورده بود و با پیشنهاد آن کمیته اقدام ملی وارد معرکه شده و نیروهای پایداری را مأمور سرکوب مردم

کرده بود، از سوی دیگر به تظاهرات رستاخیزی در تبریز و بیست شهر دیگر دل خوش داشت. مسخره‌تر از این، محاکمه‌هایی بود که در دادگستری به‌راه افتاده جلسه اول و دوم و سوم آن اعلام می‌شد.

در این برهه سال ۵۷، هرچند که لبنان و فلسطین صحنه جنگ‌هایی خونین بود، اما فضای ایران چنان بود که به‌جای اثرپذیری از این صحنه‌ها، آنها را اثرپذیر می‌ساخت. نکته دیگر این‌که، دیگر هیچ تردیدی نمانده بود که اعلام مواضع مارکسیستی، خطای تردیدناپذیری بوده که با آن، سازمان مجاهدین خلق، پایگاه مردمی خود را به کلی از دست داده است. از این روی برای عناصری از سازمان فرصت فراهم شد که دیگر بار موجودیت آن را با پایبندی به ایدئولوژی اسلامی اعلام کنند، هرچند که - بر فرض صداقت آنان - جلب اعتماد هوشمندان جامعه را زمینه‌ای نمانده بود، بگذریم که کمتر صداقتی در کار بود و منشأ اختلاف آقایان، جز حذف مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی نبود.

محورهای پژوهش:

اربعین شهدای تبریز

نقش تبریز در انقلاب اسلامی ایران.

نقش یزد در انقلاب اسلامی ایران.

نقش جهرم در انقلاب اسلامی ایران.

نقش آیت‌الله صدوقی در انقلاب.

تحولات سازمان مجاهدین خلق در سال‌های ۵۶-۵۷.

اردیبهشت سال ۱۳۵۷ - برنامه انقلاب

گویی برای انقلاب برنامه‌ریزی شده بود: در برگزاری هر اربعین، رژیم در نقطه‌ای به‌درگیری خونین کشیده می‌شد و زمینه اربعینی دیگر فراهم، و هر یک از این اربعین‌های مکرر رژیم شاه را می‌لرزاند. جالب این‌که با ندانم‌کاری‌های رژیم، دورافتاده‌ترین نقطه‌های کشور نیز در این برنامه فراگیر حضور می‌یافت، و در اجرای این بخش برنامه، سهم عمده از آن روحانیونی بود که در تبعید به‌سر می‌بردند، به‌ویژه که دیدار تبعیدیان، جزیی از برنامه انقلاب شده بود و این دیدارهای گروهی مکرر، در بیداری مردم آن نقاط بسیار مؤثر بود.

با این توضیح، مردم ایران در اردیبهشت آماده برگزاری اربعین یزد و جهرم (در نوزدهم همین برج) می‌شدند، که باشکوه بسیار برگزار شد و به‌رغم خودداری رژیم از برخورد - به‌خاطر بیم از تداوم اربعین‌ها - مراسم قم خونین شد و طلبه‌ای به‌شهادت رسید. تظاهرات پراکنده‌ای نیز در شهرهای

گونگون - از جمله بابل، شیراز، تبریز، اهواز و کرمان و نیز منطقه‌هایی از تهران - انجام می‌شد که در این مقطع، نوعاً با حمله به سینماها و بانک‌ها همراه بود. دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه تهران، روزی آرام نبود.

مهندس بازرگان در روزهای اول اردیبهشت، شاه را به مناظرهٔ تلویزیونی دعوت کرد. دولت آموزگار توسط محسن پزشکیار استیضاح شد. روزنامه‌نگاران در نامه‌ای سرگشاده خواهان رفع سانسور از مطبوعات شدند که داریوش شایگان آن را نادرست خواند. نهضت آزادی به ادامهٔ زندان آیت‌الله طالقانی و منتظری اعتراض کرد. نهضت آزادی خارج از کشور، در بیانیه‌ای سرنگونی رژیم را مورد تأکید قرار داد.

در این میان، هر از گاه خبر یکی از تظاهرات فرمایشی رستاخیزی در مطبوعات منتشر می‌شد که کمتر توجهی را جلب می‌کرد.

شاه از حزب رستاخیز ابراز نومییدی کرد و پذیرفتن آن را با ناگزیری توجیه کرد.

محورهای پژوهش:

نقش تبعیدیان سال ۵۶-۵۷ در گسترش موج نهضت.

نقش کرمان در انقلاب اسلامی ایران.

مخالف‌خوانی‌ها در مجلس و انگیزه‌های آن.

تحول در مطبوعات در سال ۵۷.

خرداد سال ۱۳۵۷ - شور و هیجان فراگیر

درحالی‌که شور انقلاب فراگیر شده بود، باره‌ای رسانه‌های خارجی می‌کوشیدند تا در برابر رهبری امام محور دیگری را با خطی دیگر مطرح کنند. از جمله تلویزیون سراسری آلمان آقای شریعتمداری را در برابر پرسشی قرار داد که به آن نتوان پاسخ دوپهلو داد ولی آقای شریعتمداری همچنان می‌کوشید که با موج انقلاب رویارو نشود، هرچند که با آن هماهنگی نداشت، به‌رحال در پاسخ این پرسش که شاه باید برود یا نه؟ همچنان القاطی مبهم و دوپهلو تحویل داد.

از ویژگی‌های خرداد ۵۷ این بود که در آن، علاوه بر برگزاری اربعین دیگر - که به رویدادهای خاص تعلق نداشت، هرچند که در آن یورش رژیم به بیت مراجع و شهادت طلبه‌ای یاد می‌شد - به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد ۴۲ نیز عزای عمومی اعلام شد. بدین ترتیب ۱۵ خرداد و ۲۱ خرداد، تعطیل عمومی و تظاهرات فراگیر ایران را در دو نوبت بی‌دری به لرزه درآورد. تعطیل عمومی ۱۵ خرداد به‌گونه‌ای بود که رژیم را به مقابله واداشت و به کارکنان دولت در پیوستن به آن اخطار داد. در این ماه نصیری از سمت خود برکنار شد و ناصر مقدم جای او را گرفت. شایعه‌هایی

بازگشت ساواک را پخش می‌کرد.
در سالگرد شریعتی نیز مراسمی برپا شد که به صورت تظاهراتی پراکنده درآمد.
فروپاشی حزب رستاخیز نیز پس از کناره‌گیری پزشکپور و تنی چند از نمایندگان مجلس و نیز
کناره‌گیری رهبر جناح به اصطلاح سازنده (انصاری) مسلم می‌نمود.

محورهای پژوهش:

ساواک، پیدایش و تحولات آن.
کارنامهٔ سبهد نصیری.
کارنامهٔ تیمسار ناصر مقدم.

تیرماه ۵۷

نمایشی دیگر از قدرت انقلاب

هرچند در تیرماه زمینه تظاهرات عمومی و فراگیر فراهم نشد، ولی در این مقطع نیز انقلاب
قدرت خود را به گونه‌ای دیگر به نمایش گذاشت:

درحالی که گروه بررسی مسایل ایران در شرایطی کاملاً نابهنگام سرگرم بررسی و مطالعهٔ
سیاسی مسایل ایران شده بود و به اعلام نتایج آن دل خوش داشت. نتایجی که با دیدگاه اطاق اصناف
از يك سو و با آنچه شاه در مصاحبه‌ای اعلام کرد - که این شورش‌ها همه به تحريك کمونیسم
بین الملل است - از دیگر سو ناسازگار بود، و نیز درحالی که مجلس به درگیری‌هایی وقت می‌گذراند
که در نگاه مردم چیزی جز خیمه‌شب‌بازی نبود، و نیز در شرایطی که برای ساواکیان سمینار ترتیب
داده می‌شد که تا در انجام وظائف خود با وضع جدید توجیه شوند و در همین حال بی‌بی‌سی خبر
خرید یکصد میلیون دلاری تفنگ‌های ضد شورش را گزارش می‌کرد، آری درست در چنین شرایطی،
انقلاب از فرصت دیگری سود برد و قدرت خود را در شکل جدیدی نشان داد:

رهبر انقلاب هرگونه جشن و سرور را به مناسبت سوم شعبان و نیمهٔ شعبان تحریم کرد و
ناگهان مردم خود را برای انجام این مراسم در راستای انقلاب آماده کردند که تلاش مذبحخانهٔ رژیم
را در مقابله با آن کمترین نقشی نبود.

در چنین شرایطی، درگذشت حاج شیخ احمد کافی در يك تصادف، فرصت دیگری فراهم کرد
که از مراسمش به‌ویژه تشییع جنازهٔ وی در مشهد بهترین و بیشترین بهره‌برداری شود.

راستی چه جالب است مقایسهٔ چنین روزهایی که از جنازهٔ دکتر شریعتی و کافی - به‌رغم تضاد
آنان در بینش و گرایش - به سود هدفی ملی بهره‌برداری می‌شود، با آن روزها که زندهٔ اینان، نیر ویشان
یکدیگر را خنثی می‌کرد و دشمن از آن سود می‌برد!

نکته جالب توجه این که در این مقطع میان نهضت آزادی و جنبش مسلمانان مبارز درگیری و جدلی بود که نه در میان توده‌های میلیونی، بلکه در میان جمعی از خواص انعکاس داشت.

محورهای پژوهش:

گروه بررسی مسایل ایران.
جشن نیمه شعبان در سال ۵۷.

مرداد ماه ۵۷
آخرین رمضان

از آغاز نهضت، ماه رمضان فرصتی بود که از آن به سود نهضت و بر ضد رژیم تبلیغات می‌شد و اینک در آخرین رمضان، نیروهای انقلاب و رژیم در برابر یکدیگر به صف آرایی برمی‌خاستند. این صف آرایی در حالی بود که در استان خراسان نیز سد وحشت شکسته شده بود و - با توجه به آنچه در تشییع جنازه مرحوم کافی رخ داده بود - موج انقلاب در آن خطه تلاطمی ویژه داشت. گفتنی است که رژیم در مورد استان خراسان، به ویژه مشهد سخت‌گیری خاصی داشت و خشونت و سرکوب را در آنجا با هیچ‌جا نمی‌توان مقایسه کرد.

در این شرایط درگذشت آیت‌الله آخوند ملاعلی، همدان را به آشوب کشید. و در همین فضا اربعینی دیگر و عزای عمومی تازه، نه به عنوان یک شهر، که به عنوان شهدای بیش از ۲۳ شهر. چنین بود که بار دیگر موج تظاهرات فراگیر شد و به ویژه علاوه بر جای‌جای تهران خبر تظاهرات شیراز، اصفهان، خرم‌آباد، شهرضا، قزوین، آبادان، اردکان یزد، نجف‌آباد و همایون شهر انعکاس مطبوعاتی نیز داشت.

مسجد قبا نیز در سراسر رمضان صحنه حضور گروه هواداران نهضت بود. به هر حال، رژیم بر آن شد که بار دیگر خشونت را تجربه کند. و اعلام حکومت نظامی از اصفهان شروع و رفته‌رفته در شهرهای دیگر نیز اعلام شد، ولی خیلی دیر شده بود. در این میان آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، موجی دیگر پدید آورد و خشم ویژه‌ای برانگیخت.

انفجار رستوران خوانسالار - به دلیل زخمی شدن ده امریکایی در آن - انعکاس گسترده یافت.

از سوی دیگر تلاشی در جهت جابه‌جا کردن تبعیدیان و از آن جمله آیت‌الله خامنه‌ای آغاز شد. جالب است که در این سال جشن هنر شیراز و جشن فرهنگ اصفهان برگزار شد.

شاه ضمن ابراز نگرانی از اعطای آزادی، فامیل‌های خود را از حضور در شرکت‌های دولتی و خصوصی برحذر داشت. به مطبوعات اخطار شد که خبر تظاهرات را درج نکنند. شگفتا که در این فضا سران جبهه ملی در مورد همکاری با امام به‌راستی نشسته بودند. مهندس بازرگان طی نامه‌ای به امام پیشنهاد کرد که به مبارزات جنبه ضد استبدادی بدهند و از درگیری همزمان با استبداد و استعمار بپرهیزند.

محورهای پژوهش:

ویژگی خراسان در انقلاب اسلامی.
نقش آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی.
حکومت نظامی در سال ۵۷.
آتش‌سوزی سینما رکس آبادان.

شهریور ماه ۵۷

شست‌وشوی چهره انقلاب از غبار شائبه وابستگی

رفته‌رفته، نهضت چنان شتاب گرفته بود که گویی نیازی به هیچ عامل فشاری نداشت و در بهره‌گیری از عوامل گوناگون خودکفا شده بود. اگر در چندماه گذشته، مقدمات برگزاری هریک از اربعین‌ها - به عنوان عامل مؤثری در تداوم نهضت - با تکاپوی بسیار فراهم می‌شد، اینک بهانه تظاهرات در جای‌جای کشور با ابتکار مردم به‌دست می‌آمد و سراسر ایران یکسره ناآرام بود. به همین دلیل برگزاری اربعین شهدای مشهد - که در تشییع جنازه آقای کافی جان باخته بودند - با دیگر اربعین‌ها متفاوت بود.

در این میان - در واپسین روزهای رمضان - دولت آموزگار سقوط کرد و دولت شریف‌امامی - به عنوان دولت آشتی ملی - به صحنه آمد، با چهره و شعارهایی خاص که چند لحظه‌ای تردید به وجود آورد و این نگرانی را سبب شد که مبدا رژیم در این توطئه توفیق یابد. این نگرانی با اعلام موضع صریح امام خاتمه یافت و با آن، موضع‌گیری‌های تردیدآمیز بعضی جناح‌های سیاسی و آقای شریعتمداری را چندان اثری نبود.

به‌رحال گروهی از تبعیدیان آزاد شدند. موج آزادی زندانیان سیاسی همچنان ادامه داشت و به نظر می‌رسید که تا آزادی آخرین فرد، قطع نخواهد شد، چند حزب و جمعیت سیاسی رسماً اعلام موجودیت کردند، تاریخ شاهنشاهی تغییر یافت، به اصطلاح مراکز فساد تعطیل شد...

اما این همه نهضت را دچار وقفه نکرد و موج تظاهرات بی‌وقفه سراسر ایران - حتی گیلان و مازندران - را فرا گرفته بود. تظاهرات دانشجویی خارج از کشور نیز - به‌ویژه در واشنگتن، لندن و

کلن - تکرار می‌شد. مراسم عید فطر با شکوهی خاص و انقلابی انجام شد، به‌ویژه تهران و تبه قیصریه با تظاهرات میلیونی پس از نماز.

رژیم می‌کوشید که اعتبار دولت آشتی ملی حفظ شود و تاحدی با مردم مدارا می‌کرد، به این امید که با پایان یافتن رمضان، حداقل مدتی فرصت آسایش یابد، ولی اعلام راهپیمایی ۱۶ شهریور توسط روحانیت مبارز جای شك باقی نگذاشت که نهضت همچنان ادامه خواهد داشت. چنین بود که فرصت برای تجربه خشونت دیگری فراهم شد و واقعه ۱۷ شهریور - که نشانه‌هایی حکایت از نقش عوامل رژیم در انتخاب زمان و مکان آن دارد - پیش آمد. در پی این واقعه حکومت نظامی گسترش یافت و پس از چندروز با تصویب مجلسین تقریباً فراگیر شد.

واقعه ۱۷ شهریور - که به جمعه سیاه شهرت یافت و نام میدان ژاله تهران را به‌طور طبیعی تبدیل به میدان شهدا کرد - هرچند که بسا در پیدایش آن عوامل رژیم را نقشی بود، در انقلاب جذب شد و تبدیل به یکی از عوامل بسیار مؤثر در پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم شد. به‌ویژه که ضمن آن، رژیم با خشونت و قساوت به سرکوبی مردم پرداخت، هرچند که طرفی نیست. بدین ترتیب غبار شائبه وابستگی از چهره نهضت با خون شهدای ۱۷ شهریور زده شد.

پس از ۱۷ شهریور، لحظه‌هایی چند - تا رسیدن پیام امام - بهت و سکوت فضای ایران را فرا گرفت و پس از آن - به‌ویژه پس از برگزاری مراسم هفته شهدا در بهشت زهرا که مراجع نیز از آن حمایت کرده بودند - بار دیگر موج‌های خروشان اقیانوس مردم از هر سو رژیم را محاصره کرد، در مراسم هفتم شهدای ۱۷ شهریور در پیام امام ارتشیان به‌خصوص مخاطب قرار گرفتند که به مردم بپیوندند.

مردم با خشونت رژیم به‌تردید دچار نشدند، ولی شخصیت‌های به‌اصطلاح سیاسی را هراسی گرفته بود. تحصن و پناهندگی کمیته ایرانی حقوق بشر به منزل آقای شریعتمداری - پس از دستگیری مهندس بازرگان - واکنشی از همین هراس بود. در امریکا و انگلیس وحدت نظری در مورد ایران نبود و جناح‌های سیاسی ارزیابی متفاوت و بسا متناقضی از اوضاع این کشور داشتند.

زلزله طبرس در فضای آن‌روز رنگ غلیظ سیاسی پیدا کرد و پی‌آمدهای سیاسی داشت. شهادت سیدعلی اندرزگو - مشهور به شیخ عباس شیرازی - و استعفای هویدا از وزارت دربار، در شمار رویدادهای مهم شهریور ۵۷ قرار دارند یا ناپدید شدن امام موسی صدر، شمار رویدادهای مشکوک در این مقطع افزایش یافت.

محورهای پژوهش:

پیدایش و سقوط دولت شریعتمداری
نقش استان گیلان در انقلاب

نقش استان مازندران در انقلاب اسلامی.
کانون‌های مبارزهٔ دانشجویی در اروپا.
کانون‌های مبارزهٔ دانشجویی در امریکا.
عواملی مشکوک در راهپیمایی ۱۷ شهریور.
نقش تیمسار اویسی در سرکوبی انقلاب.
روابط جبههٔ ملی با آقای شریعتمداری.
روابط نهضت آزادی با آقای شریعتمداری.
رویدادهای مشکوک* در سال ۵۷.

* درگذشت دکتر شریعتی، رحلت پرسش‌برانگیز آیت‌الله سیدمصطفی خمینی و ناپدید شدن امام موسی صدر.

مهرماه ۵۷

جابه‌جایی در مرکز ثقل نهضت

رژیم شاه بر آن شد که از تمامی امکانات برای خاموش کردن شعله‌های انقلاب به اقدامی اساسی دست بزند، وزیر خارجه با استفاده از فرصت اجلاس سالانهٔ مجمع عمومی سازمان ملل عراق را با کمک امریکا متقاعد کرد که در این کژراهه همکاری تنگاتنگی را با رژیم پذیرا شود. نخست عراق کوشید که سکوت را به امام تحمیل کند و به محاصرهٔ بیت ایشان و خشونت‌های دیگر متوسل شد که سودی نبخشید و سرانجام هجرت تاریخی امام به پاریس - پس از ممانعت کویت با فشار انگلیس از ورود ایشان به آن کشور - انجام شد، با موج فراگیر انتقاد به عراق و توصیهٔ ارج نهادن مقام امام به فرانسه. در این جریان دعوت جداگانهٔ الجزایر و مجمع مسلمانان لیبی از امام و نیز ابراز تأسف یا سر عرفات از نداشتن وطنی جهت پذیرایی امام، برجستگی خاصی داشت.

ویژگی دیگر مهرماه، پیدایش و رشد فزایندهٔ اعتصابات بود که به تدریج تمام ایران را فرا گرفت و اعتصاب در شرکت نفت، مخابرات و مطبوعات دارای اهمیت خاصی بود. هرچند که مطبوعات پس از عقب‌نشینی دولت، کار خود را در راستای انقلاب شروع کردند. وزارت نیرو نیز با خاموش کردن چراغ‌ها در ساعاتی معین نقش جالبی را عهده‌دار بود. در مخابرات نیز همکاری مؤثری در تکثیر نوارهای ایران وجود داشت.

در این حال موج تظاهرات همچنان سراسر ایران را فرا گرفته بود و آنچه در این مقطع شدت آن را دامن می‌زد عبارت بود از:

- ۱- جهلم فاجعهٔ سینما رکس.
- ۲- اربعین شهدای ۱۷ شهریور که با سالگرد رحلت مشکوک فرزند امام گره خورده بود.

شهرهایی که در آن تظاهرات مردم به خون کشیده شد، علاوه بر تهران و قم، کرمانشاه، بوکان، خرم‌آباد، آمل و بابل، و نیز زنجان بود. جالب این که مراسم قالی شویان ارده‌ها کاشان به تظاهراتی خونین علیه رژیم تبدیل شد.

در اربعین شهدای ۱۷ شهریور، مسجد جامع کرمان مورد یورش چماق‌داران رژیم (کولی‌ها) قرار گرفت که ایلغار مغول را تداعی می‌کرد و پی‌آمد گسترده‌ای داشت.

امام پس از این فاجعه، احتمال بهره‌گیری از اسلحه را - در صورت ضرورت - زمزمه کردند. شاه که دیگر در تنفس رژیم شمارش معکوس را شاهد بود، در ملاقاتی با سالیوان، از بی‌مهری سازمان سیا با خود و هم از نقش انگلیس گلایه کرد. آری، در نگاه او مردم را هیچ نقشی در تاریخ نبود. در فضایی آن چنان، فروپاشی حزب رستاخیز را نمی‌توان خبر مهمی به‌شمار آورد.

محورهای پژوهش:

هجرت امام از نجف به پاریس.

رابطه الجزایر با انقلاب اسلامی.

رابطه لیبی با انقلاب اسلامی.

رابطه فلسطین با انقلاب اسلامی.

فاجعه مسجد جامع کرمان.

زنجیره اعتصابات در جریان انقلاب اسلامی.

نقش مخابرات در تکثیر نوارهای امام.

نقش وزارت نیرو در خاموشی‌های روشن‌گر.

اعتصاب مطبوعات و آزادی آنها.

مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

آبان ۵۷

پایان تردید

هرچند در نگاه ژرف اندیشان، سقوط رژیم پهلوی قطعی شده بود، با این همه شمار کسانی که در این زمینه تردیدی داشتند نیز کم نبود. به‌ویژه که زمره‌ی روی کار آمدن دولت نظامی از اوایل دولت شریف‌امامی بر سر زبان‌ها بود، و بودند نصیحت‌گران ساده‌اندیش یا منافقان ناصح‌نمایی که بر همکاری با دولت آشتی ملی، با این منطق تأکید داشتند که: ناکامی شریف‌امامی را دولت نظامی پی‌آمد است که در این صورت...

به‌رحال در آبان ۵۷ این واژه نیز پایان یافت و ازهارای جایگزین شریف‌امامی شد. از این روی در آذر ۵۷ مردم با دو موج خشونت روبه‌رو شدند:

۱) موج خشونت روزهای آخر دولت شریف امامی که درگیر واپسین تکاپوها بود که نمود بارز آن سیزده آبان دانشگاه بود.

۲) موج خشونت روزهای نخست دولت نظامی که می خواست ضرب شصتی نشان دهد. می توان گفت که تقریباً تمامی شهرهای ایران را این دو موج فرا گرفت که از همه مهم تر شهر مشهد بود که در یورشی وحشیانه، حرمت حرم رضوی نیز شکسته شد. با این همه، از همان روزهای نخست روی کار آمدن دولت نظامی به وضوح روشن بود که ازهارای نیز رژیم را برگ برنده ای نخواهد بود. به ویژه که در مصاحبه شاه آثار درماندگی و خودباختگی شاه برای همه روشن می نمود. ازهارای نیز در ژست خشونت، بیشتر به مهره های گذشته چنگ و دندان نشان می داد و دستگیری نصیری، آزمون، همایون، هویدا، نیک پی و چند مقام دیگر را در دستور کار خود گنجانده بود. آری زندانیان سیاسی، به ویژه آزادی حضرات آیات و حجج اسلام منتظری، طالقانی، هاشمی رفسنجانی و لاهوتی نیز بیانگر ناتوانی رژیم در بهره گیری از خشونت و سرکوب بود.

در فاصله جابه جایی دو دولت، دیدارها و مذاکرات سیاسی زیادی بود که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱) جلسه مشترک شریف امامی، مهندس بازرگان، نماینده آقای شریعتمداری و مأموری از سفارت امریکا.

۲) دیدار دکتر امینی با شاه و آقای شریعتمداری به طور جداگانه.

۳) ملاقات سالیوان با دکتر امینی و شریف امامی به طور جداگانه در این میان شایعاتی مبنی بر قصد ملاقات شاه با شخصیت های ملی از جمله دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر سنجابی و مهندس بازرگان بود که تنها دیداری با دکتر صدیقی صورت گرفت.

ظاهراً شاه دچار تردید بود که معامله با فردی از این آقایان را پیش از آزمون دولت نظامی انجام دهد یا پس از آن که به هر حال بر آن شد که کارآیی دولت نظامی را نیز تجربه کند.

به هر حال برای مردم روشن بود که سرنوشت انقلاب نه در کاخ سفید و دربار شاه، که در دهکده نوفل لوشاتو رقم می خورد. گروه ها و شخصیت های سیاسی نیز این حقیقت را دریافته بودند، چنان که خبرنگاران نیز پیش از این که خواهان مصاحبه با شاه و شریف امامی و ازهارای و... باشند، مشتاق گفتگو با حضرت امام بودند و موج این مصاحبه ها با رشدی روزافزون سراسر جهان را فرا می گرفت. تظاهرات دانشجویان خارج از کشور نیز چنان شور و هیجانی داشت که ارزیابی آن در هیچ قالبی نمی گنجید.

در این میان هر دولتی که در ایران بر سر کار می آمد، در بند تظاهرات فراگیر و اعتصابات فلج کننده بود و تنها مواردی از این اعتصابات مستثنی بود که کار دستگاه مربوط به آن پاسخگوی نیاز مبرم مردم بود. در مثل کارکنان وزارت نیرو و ناگزیر برق مردم را تأمین می کردند و هر شب با انجام ساعتی خاموشی وفاداری خود به مردم و انقلاب را اعلام می کردند.

خروج خارجی‌ها به‌ویژه اتباع امریکا و اسرائیل تماشایی بود. در جای‌جای کشور نیز هر از گاه از چماق‌دارانی استفاده می‌شد که در این مقطع مزدوران سالار جاف در پایه عرض اندامی داشتند و نجف‌آباد نیز مورد یورش وحشیانه قرار گرفت. اینک آنچه بیش از هر چیز دولت از هاری را نگران می‌کرد، نزدیک بودن ماه محرم بود که برای برخورد با آن با تلاشی مذبحخانه، تدارکاتی دیده می‌شد.

محورهای پژوهش:

- کارنامه شریف امامی.
- برکناری پرویز ثابتی و سی‌وچهار مأمور امنیتی در آبان ۵۷.
- اقامت امام در پاریس و آثار تاریخی آن.
- نقش دکتر غلامحسین صدیقی در تحولات سیاسی سال ۵۷.
- نقش دکتر کریم سنجابی در تحولات سیاسی سال ۵۷.
- دستگیری مهره‌های رژیم در سال ۵۷ و پی‌آمدهای آن.

آذر ۵۷

محرم سرنوشت‌ساز

درحالی‌که پی‌آمد هتک حرمت حرم رضوی به صورت موجی فراگیر نمایان شد و زمینه اعلام عزای عمومی همراه با برجستگی خاصی بود، مردم برای پیشواز محرم آماده می‌شدند. سراسر ایران شاهد تظاهرات پی‌درپی بود و تمامی عرصه‌های تجاری و صنعتی و... صحنه اعتصابات فلج‌کننده. در این میان مشهد را ویژگی خاصی بود که به یورش به بیمارستان شاهرضا انجامید که خود پی‌آمدهایی خاص داشت. تظاهرات مردم هرچه بیشتر به خشونت می‌گرایید و حمله به بانک‌ها و اماکن دولتی هر روز سخت‌تر می‌شد. و هرچند که شمار آنها کمتر از شمار شهیدان انقلاب بود، اما به‌رحال برای رژیم نگران‌کننده بود: در کرمان معاون رییس شهربانی به قتل رسید، در دزفول پرتاب نارنجک به کشته شدن هفت تن از مأمورین انجامید و در قم پرتاب بمب‌هایی دست‌ساز - که به نام سهرامی شهرت یافت - آغاز شد.

رژیم در برخورد با مردم به‌هیچ‌روی سیاست متمرکز و مشخصی نداشت و این درحالی‌بود که امام با قاطعیت رهبری انقلاب را از پاریس عهده‌دار بود. چنین بود که از یکسو مردم مورد تهاجم وحشیانه مزدوران رژیم قرار می‌گرفتند که نمونه‌ای از آن یورش چماق‌داران به مردم قوچان و آتش‌سوزی در بازار نجف‌آباد و حمله وحشیانه به مردم اصفهان بود، و از دیگر سو در جهت ارتباط با شخصیت‌های وجیه‌الملله تکاپویی در جریان بود که دیدار شاه و دکتر سنجابی نمونه بارز آن است.

به‌رحال محرم فرا رسید و همان شب اول مجله سرچشمه تهران صحنه برخوردی خونین شد و در پی آن، فریاد الله اکبر از بام تهران طنین افکند و حضور مردم شکلی دیگر یافت و نطق از هاری در مجلس سنا در جهت کم‌رنگ کردن شکوه انقلاب، از مضحکه‌های تاریخ شد. از سوی دیگر فرار سربازان از ارتش آغاز شد که تأکیدی روشن بود بر آسیب‌پذیری یگانه پایگاه مورد اطمینان رژیم.

در تاسوعا و عاشورا، ایران اسلامی صحنه چنان نمایشی از اراده ملت بود که فروتنی در برابر انقلاب اسلامی ایران را بر جهان تحمیل کرد. رویداد پادگان لویزان آخرین امید حامیان شاه را در بهره‌گیری از ارتش، به‌نومیدی مبدل ساخت.

از این پس در تظاهرات، مجسمه‌های شاه یکی پس از دیگری به‌زیر کشیده می‌شد که شاید بتوان گفت مردم اصفهان در این اقدام پیش‌قدم شدند. تظاهرات دانشجویان خارج از کشور نیز همچنان در گزارش‌های خبری جایگاهی معتبر داشت.

شکل‌گیری شورای انقلاب نیز از اهم رویدادهای آذرماه به‌شمار می‌رود. اعلامیه مشترکی از سوی مرحوم مطهری و مهندس بازرگان در مورد دکترا شرعی صادر شد که تلاشی بود در جهت پیش‌گیری از انشعاب در صفوف نهضت.

محورهای پژوهش:

نقش محرم ۵۷ در پیروزی انقلاب اسلامی.

فرار سربازان از ارتش و پی‌آمدهای آن.

رویداد پادگان لویزان.

تشکیل شورای انقلاب.

دی ۵۷

طلایه‌های پیروزی

سراسر ایران همچنان صحنه تظاهرات میلیونی مردم بر ضد رژیم بود که هر از گاه در نقطه‌ای به‌خشونت می‌گرایید و در این مقطع در مواردی نیروهای رژیم از پشت خنجر می‌خوردند. خروج ارز و خروج خارجی‌ان همچنان مسأله روز بود. به‌ویژه در پی کشته شدن یک امریکایی در اهواز، شمار زیادی از کارشناسان امریکایی از کشور خارج شدند. از هاری و اویسی از کشور گریختند که در مورد اویسی شایع شد که در امریکا درگیر تلاشی است در زمینه‌سازی کودتا. در این مقطع

برجسته‌ترین چهره‌های لشکری که در صحنه سیاسی حضور داشتند تیمسار بدره‌ای، سبهید رحیمی و سرلشکر قره‌باغی بودند.

در کنفرانس گوادالوپ، در مورد خروج شاه از کشور و کناره‌گیری او توافق شد، و در پی زمزمه نخست‌وزیری یکی از شخصیت‌های ملی - که عمدتاً نام دکتر صدیقی بر سر زبان‌ها بود - ناگهان بختیار به نخست‌وزیری رسید و شورای سلطنت تشکیل و زمزمه سفر شاه مطرح شد.

در روزهای اول دولت بختیار، فضای کشور و شکل تظاهرات تغییر کرد، اعتصاب مطبوعات با پیام امام شکست، دانشگاه بازگشایی شد و تظاهرات اربعین در چنین جوی برگزار شد. با این همه، هیچ نشانی از کمترین گرایش مردم به بختیار دیده نشد، که امام بی‌درنگ موضع منفی خود را در مورد بختیار اعلام داشتند.

رفته‌رفته - نه با فاصله زمانی زیاد - اندک تغییر روزهای اول نیز رنگ باخت و برخوردها به شکل قبل بازگشت، هر چند که مردم تهدیدناپذیر شده بودند و در ارتش نیز میل برخورد نبود.

در حالی که بختیار در گرداب انقلاب دست‌وپا می‌زد و در هیچ زمینه به هیچ‌روی قدرت هیچ انتخابی نداشت، امام با کلمه‌ای حرکت مردم را سمت می‌داد و سرنواخت انقلاب را رقم می‌زد. در این میان طلایه‌های پیروزی یکی پس از دیگری رخ می‌نمود:

تشکیل شورای انقلاب اعلام شد، شاه از کشور گریخت، رییس شورای سلطنت به دست بوس امام رفت و از ریاست استعفا کرد و دو هیأت رسمی از سوی امام جهت رسیدگی به مسایل نفت و مسایل اعتصابات تعیین شد که از اولین اقدامات حکومتی بود. از سوی دیگر به دستور امام در تهران ملاقاتی با سالیوان صورت گرفت و برای سفارتخانه ایران در امریکا سرپرست تعیین شد.

در میان شهدای دی‌ماه ۵۷، نام استاد کامران نجات‌اللهی که در تحصن استادان دانشگاه جان باخت، آوازه دیگری یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محورهای پژوهش:

کارنامه دولت بختیار.

طرفداران کودتا و دلیل ناکامی آنان.

اختلافات بختیار و قره‌باغی.

نقش سالیوان در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران.

کارنامه کمیته نظارت بر نفت.

کارنامه کمیته نظارت بر اعتصابات.

مسأله روز بازگشت امام به کشور بود و امریکا در تلاش تحمیل دولت بختیار. رییس شورای سلطنت استعفای خود را به امام تقدیم کرد و دیدار ایشان را توفیق یافت و در پی آن و با توصیه امام، دوتن دیگر از اعضای شورای سلطنت و ۲۱ تن از نمایندگان مجلس استعفا دادند. سفارتخانه‌های ایران در خارج کشور نیز یکی پس از دیگری به دست دانشجویان می افتاد که امام در مورد اداره آن دستوری صادر کردند.

در این میان گویی رمزی کلارک - وزیر اسبق دادگستری امریکا - به عنوان فردی بی مسولیت، به آخرین بررسی مشغول بود و با امام در پاریس و بختیار و سنجابی و بازرگان در ایران دیدار کرد. مهندس بازرگان نیز تلاش می کرد که انتقال دولت با توافق بختیار و با مسالمت انجام شود.

شاه، گلایه‌مند از امریکا، از مصر به میلکش رفت و در اظهارات خود چنین وانمود می کرد که سرنوشت او را امریکا رقم زده است.

بختیار می کوشد که به صورتی ماندگار شود. از یکسو با برگزاری میتینگ امجدیه و راهپیمایی طرفداران قانون اساسی در مقام اثبات داشتن پایگاه مردمی خود بود، و از سوی دیگر بر آن بود که در دیدار با امام به راه حلی دست یابد که با مشروط شدن این دیدار به استعفا، منتفی شد. در جریان این تکاپو وعده‌ای به بختیار داده شد که در آن نوعی ناهماهنگی با شورای انقلاب بود که در آن نیاز به پژوهش است.

به‌هر حال بختیار می کوشید که با سیاست دفع الوقت و به بهانه‌های مختلف آمدن امام به ایران را - به امید دست یافتن به راه حلی - به تأخیر بیندازد که سرانجام تسلیم و ورود امام به ایران قطعی شد. تلاش در جهت تسلیم کردن بختیار موضوع تظاهرات و راهپیمایی‌های این دهه به‌ویژه روز ۲۸ صفر بود و تحصن علمای تهران و سپس علمای ایران در دانشگاه نقش تعیین کننده‌ای در این مقطع داشت.

در این حال کمیته اعتصابات در رهبری درست و تشکیلاتی اعتصابات و پیش‌گیری از هرج و مرج و اغتشاشات بی‌مورد فعال بود. کمیته برگزاری مراسم استقبال نیز به صورت نهادی انقلابی در مدرسه رفاه مستقر بود.

جنب و جوش در دهکده نوفل لوشاتو نیز در چنان اوجی قرار داشت که در توصیف آن هیچ بیان و قلمی را کارایی نیست. درخواست ملاقات امینی از امام پاسخ رد یافت. آنچه در آن فضا موجب نگرانی و دلهره بود، زمره کودتای ارتش و ترور امام بود که در این زمینه گویا فعالیت‌هایی انجام می شد.

انتظامات شهرهایی - با حضور اسمی دولت بختیار - به دست مردم افتاده بود که شاید از «قم»

در شمار اولین شهرها بتوان نام برد.

محورهای پژوهش:

تلاش‌های خارجی در تحمیل دولت بختیار.
نقش رمزی کلارک در واپسین روزهای پیش از پیروزی.
تحصن علما در دانشگاه.
کارنامه کمیته استقبال.

۱۰ تا ۱۲ بهمن ۵۷

فروپاشی نظام شاهنشاهی

بازگشت امام مسلم شده بود، هیجان مردم فرازی برتر از اوج می‌جست و رنگ‌های از نگرانی می‌کوشید که خود را بر این هیجان وصف ناپذیر تاریخی تحمیل کند، نگرانی ترور امام، انهدام هواپیما، ربه‌شده شدن آن یا... که گویا اردشیر زاهدی و سرهنگ جهانپاتی عهده‌دار آن بودند.

امام فرانسه را با تشکری از میهمان‌نوازی فرانسویان ترک گفت و به سوی میهن اسلامی خود پرواز کرد. از همان لحظه توطئه‌ها آغاز شده بود، تفسیر بی‌اعتنایی ایشان به حکومت به بی‌تفاوتی نسبت به وطن و مردم را می‌توان سرآغاز این توطئه به‌شمار آورد.

تشریفات در فرودگاه، طنین تکبیر، استقبال بی‌مانند مردم، صحنه دیدار در بهشت‌زهرا، انتظامات مردمی و درعین حال متشکل، سرود خمینی‌ای امام، خوش‌آمدگویی فرزند شهید، سرود ای شهیدان راه خدا، تناقض عقل و عشق در حفظ انضباط و در آغوش گرفتن امام،... همه‌وهمه فرازهایی وصف‌ناپذیرند در ترسیم آن‌روز تاریخی و جاودانه.

دوازده تا ۲۲ بهمن ۵۷ که در سال ۶۱ به‌عنوان دهه فجر لقب یافت، دهه‌ای است لبریز از خاطرات ملی و سرشار از خیرهای انفجارآفرین.

در این دهه تاریخی، امریکا و انگلیس در تلاش بودند که تهمانده خزانه یغمازده کشور را نیز بلیسند و مأموریت هایزر در این رابطه، از نکات مهم تاریخی است. بختیار می‌کوشید که راهی برای تعبیر خواب آشفته خود بیابد و با استفاده از کفش بسیار گشادی که پاپوش خود کرده بود، گامجایی هرچه بزرگتر در عرصه قدرت و سیاست، سم می‌کوبید. گاه بر ماندگاری خود تأکید می‌کرد، گاه ابراز اشتیاق به دیدار امام می‌نمود، در جلسات سری به‌گونه‌ای سخن می‌گفت و در مصاحبه‌ها چهره دیگری نشان می‌داد، گاهی از دولت ائتلافی سخن می‌گفت و زمانی حکومت قم را به امام می‌بخشید. در این حال، خبر استعفاها یکی پس از دیگری منعکس می‌شد: استعفای دکتر علی‌آبادی از

شورای سلطنت، استعفای چند گروه (۴۰ تن، و ۲۲ تن و ۱۳ تن) از نمایندگان مجلس، استعفای شهردار تهران.

دولت انقلابی بختیارا که هیچ حرکتی را قادر نبود، گویی تنها راه عرض اندام را دستگیری مهره‌هایی از رژیم گذشته می‌دید: نصیری، سالار جاف و تیمسار رحیمی و دو وزیر دستگیر شدند. امام در مصاحبه‌ای برنامه انتقال دولت را تشریح کردند و به فاصله‌ای کوتاه برنامه اجرا شد و مهندس بازرگان توسط جناب رفسنجانی با حکم امام نخست وزیر شد و مدرسه رفاه موقتاً دیوان دولت را پذیرا شد.

گفتنی است که مدرسه رفاه نخست جهت استقرار امام در نظر گرفته شده بود، اما به دلیل رخنه عناصری مشکوک در تشکیلات کمیته استقبال و بروز پاره‌ای فرصت طلبی به سود بعضی سازمان‌های مطرود، با ابتکار استاد شهید مطهری، امام ناگهان به مدرسه علوی نقل مکان کردند که این تصمیم غافل گیر کننده، تشنج‌هایی را در پی داشت و خاطر عزیزانی را رنجانید.

موضع احزاب و گروه‌های سیاسی در برابر موج انقلاب یکسان نبود: نهضت آزادی همگامی نشان می‌داد، جبهه ملی و حزب توده اعلام پشتیبانی می‌کردند، سازمان چریک‌های فدایی خلق ضمن خوش آمدگویی به امام نغمه مخالف سر می‌داد و سازمان مجاهدین خلق در جستجوی گامجایی در حکومت در صبر و سکوت و انتظار روز می‌گذراند.

تظاهرات در سراسر کشور ادامه داشت و در چند شهر از جمله زاهدان و خوی مردم از سوی چماقداران مورد یورش قرار گرفتند.

چند روزی در ایران زمین دو دولت را حکمرانی بود که صدالبته یکی مضحکه‌ای بیش نبود. به‌رحال چنین وضعی نمی‌توانست ادامه یابد و این سخنی بود که جملگی بر آن بودند. دوراهی برخورد و سازش هر لحظه حساس تر می‌شد، با حضور جمعی از پرسنل نیروی هوایی در مقر امام و مانور آنان دیگر استشمام بوی باروت را به‌شامه چندان تیزی نیاز نبود. گویی در برابر انقلاب ضدانقلاب را جز کودتا چاره‌ای نمانده بود و مقدمات آن را تدارک دیدند و بدین منظور حکومت نظامی اعلام شد، که با فرمان قاطع امام - در شرایطی که همه به تردید دچار بودند - توطئه خنثی شد.

برخورد از پادگان نیروی هوایی آغاز و به‌زودی همه پایگاه‌های حساس رژیم را فراگیر شد و تهران در سرمای زمستان، داغ‌ترین شب تاریخ را پس پشت نهاد و بامداد ۲۲ بهمن به‌روی مردمی لبخند زد که راستی را «تجسم کامل رنج و زخم و بردگی و استعمار» بودند.

در نیمروز ۲۲ بهمن ارتش اعلام همبستگی با انقلاب کرد. فرماندهان نیروهای سه‌گانه استعفا کردند و حال نوبت استعفا به بختیار رسیده بود...

مردم در اوج شادی و قهقهه (در پی قرن‌ها غم و اندوه و گریه) طعم شیرین پیروزی را تجربه کردند، و صدای انقلاب را گوش جان سپردند.

الله... الله... الله... الله اکبر...

پیروزی مردم در ایران، دنیا را در بهت و سکوت فرو برد، چنان که جز یکی دو کشور را قدرت تصمیم‌گیری سریع نبود، سازمان سیا را به اعتراف و ادانت که ارزیابی ما از قدرت مردم و رهبری امام، نادرست بود.

محورهای پژوهش:

- اطرافیان امام در پاریس.
- لغو قراردادهای نظامی در واپسین روزهای پیش از پیروزی.
- اختلافات بختیار و ارتش.
- نقش نیروی هوایی در پیروزی انقلاب اسلامی.
- مدرسه رفاه و مدرسه علوی.
- مواضع احزاب و گروه‌های سیاسی در استقبال امام و جمهوری اسلامی.

مراکز استان‌ها	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع کل اسناد
اصفهان	۲۴۹	۱۸۲	۲۵۲	۳۶۴	۱۰۴۷
ارومیه	۱۱۲	۱۴۲	۶	۵۲	۳۱۲
ایلام	۱۰	۵۲	۲	۱	۶۵
اهواز	۶۲	۱۳۵	۱۲	۶۶	۲۷۵
اراک	۴۵	۱۳۵	۳۲	۳۰	۲۴۲
بندر بوشهر	۶۹	۱۰۰	—	۵۱	۲۲۰
بندرعباس	۸۱	۶۴	۳۰	۲۵	۲۰۰
تبریز	۲۸۱	۱۹۰	۷۳	۲۲۱	۷۶۵
تهران	۱۱۲۰	۵۷۲	۶۷۰	۲۱۵۵	۴۵۱۷
خرم‌آباد	۳۳	۱۰۲	۳۱	۱۴	۱۸۰
رشت	۷۰	۵۹	۵	۵۸	۱۹۲
زاهدان	۲۷	۴۲	۹	۲۷	۱۰۵
زنجان	۵۶	۱۳۰	۷۱	۹۱	۳۴۸
سمنان	۲۸	۳۳	۲	۶	۶۹

مراکز استان‌ها	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع کل اسناد
سنندج	۲۹	۶۶	۱۱	۸	۱۱۴*
ساری	۱۹	۸۹	۱	۱۱	۱۲۰
شیراز	۱۸۴	۹۸	۱۰۲	۱۹۶	۵۸۰
شهرکرد	۷	۱۹	۱	۲	۲۹
کرمان	۱۵۵	۸۹	۱۰۳	۹۵	۴۴۲
کرمانشاهان	۱۲۳	۲۶۱	۵۰	۵۸	۴۹۲
مشهد	۱۴۵	۱۵۱	۴۰۰	۱۹۴	۸۹۰
همدان	۵۱	۱۳۳	۱۱	۷۳	۲۶۸
یاسوج	۱	۱۴	—	۱	۱۶
یزد	۷۹	۵۹	۲۳	۴۱	۲۱۲

مکان‌ها	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع کل اسناد
الجزایر	۸	۸۳	۱۸	۸۱	۱۹۰
افغانستان	۸۵	۷۲	۳	۲۴۷	۴۰۷
انگلیس	۹۵۴	۱۴۶	۱۵۲	۲۸۵۲	۴۱۰۴
جهرم	۲۶	۲۳	۵	۹	۶۳
چین	۲۰	۱۹	—	۱۳۹	۱۷۸
خلیج فارس	۸۹	۲۴۸	۴	۳۲۸	۶۶۹
سودان	۲	۶	—	۲۰	۲۸
شوروی	۶۶۲	۲۰۵	.	۳۶۷۹	۴۵۴۶
عربستان	۵۱	۱۸۹	۳۷	۳۶۹	۶۴۶
فلسطین	۲۹	۲۵۲	۳۱	۸۹	۴۰۱
لیبی	.	۶۳	۸	۴۰	۱۱۱
مصر	۵۷	۴۰	۴۲	۴۱۹	۵۵۸

نام‌ها	مجلس شورای اسلامی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع اسناد
آملی میرزا محمدتقی			۹		۹
آزموده سبهد			۱	۲۵	۲۶
آل احمد جلال			۸	۵۶	۶۴
امام خمینی	۱۵	۱۶۶۶	۲۶۷۷	۳۰۵	۴۶۶۳
اقبال منوچهر	۳۷۴	—	۱۷	۵۹۲	۹۸۳
الهیاری صالح	۵۰	۵	۷	۸۶	۱۴۸
امینی دکتر	۱۸۷	۳	۴۷	۸۰۳	۱۰۴۰
اویسی	—	—	۳۴	۱	۳۵
اخوان المسلمین مصر			۲	۴	۶
ارگین				۱	۱
بروجردی آیت‌الله...	۲۵	۱۴	۸۰۳	۱۱۶	۹۵۸
بهبهانی سیدمحمد	۵		۵۴	۴۵	۱۰۴
بختیار شاپور	۱۶۳	۲۳	۶۰۳	۳۰	۸۲۲
بیمان بغداد (سنتو)	۱۳		۶	۴۱۷	۴۳۶
تختی غلامرضا	۱			۱۲	۱۳
تبعیدها	۶۳	۴۳	۵۳۸	۲۱۲	۸۵۶
تحصن و اعتصاب	۲۳۳	۴۶	۲۷۲	۲۱۹	۷۷۰
ثابتی پرویز	۱	۱	۲		۴
جنگ اعراب و اسرائیل	۱	۳	۱۳	۶	۲۳
جانسون			۲	۵	۷
جمعیت‌های مؤتلفه			۶۱		۶۲
جبهه ملی	۸۷	۲۹	۱۴۹	۱۸۲	۴۴۷
چریکهای فدائی خلق	۱	۲۳	۲۱	۱۲	۵۷
حزب ملیون	۱۴			۱۰۴	۱۱۸
حزب مردم	۵۸		۶	۱۰۶	۱۷۰
حزب توده	۲۰۴	۳۶	۱۳۹	۹۷۶	۱۳۵۳
حجازی محمد			۱		۱
درخشش حجازی	۹۲		۴	۴۶	۱۴۲
دانشگاه	۵۱۱	۱۰۸۵	۱۴۰	۳۶۶	۲۱۰۲

۸	۲	۶	—	—	رمزی کلارک
۴			۴		زنجانی ابوالفضل
۱۹۹		۱۹۵	۴		سعیدی آیت‌ا...
۶		۵	۱		سالیوان
۶۵۲	۳۶۸	۱	۱	۲۸۱	ساعد نخست‌وزیر
۲۲۹	۳۱	۹۶	۱۱	۹۱	سنجابی کریم
۴۲۱	۹	۳۱۶	۶۴	۳۲	سازمان اطلاعات و امنیت
۴۲۱	۲۳		۱۰		سازمان آزادیبخش فلسطین
۱۷	۵	۱۰	۲		سازمان الفتح
۵۵۰	۷۸	۲۷۹	۱۹۳		سازمان مجاهدین خلق ایران
۱۷	۵	۱۰	۲	۱	سپاه دین
۲۲۰	۹	۳۳	۱۷۸		شورای انقلاب
۴۷۶	۱۰	۴۳۶	۱۰	۲۰	شریعتمداری
۵۷۵	۱۴۴	۶۰	۲	۳۶۹	شریف امامی
۱۵۳	۱۵	۱۰۲	۳۳	۳	شریعتی دکتر علی
۶					شریعت آیت‌ا... (پاکستانی)
۱۰		۱۰			شمس آبادی
۸۵	۳۵			۵۰	صدیقی غلامحسین
۳۴	۴	۲۷	۳		صدر امام موسی
۵۹		۴۰	۱۹		صدوقی آیت‌ا...
۷	۴	۲۴۵	۱۹		طالقانی آیت‌ا...
۷	۴	۳			طاهری سرتیپ
۲۹	۱	۲۳	۵		طباطبایی محمدحسین علامه

۸۰	۴	۲۹	۴۷	—	طیب
۹۴	۷۶	۷	۶	۴	عبدالناصر جمال
۴۲۱	۳۳۶	۴۴	۳	۲۸	علم اسدالله
۱۳۲	۱۳	۱۱۰	۴	۵	فلسفی محمدتقی
۱۰۰۱	—	۹۸۷	۸	۶	قره‌باغی
۲۵		۲۴		۱	کمالوند روح‌الله
۶۳	۳	۶۰			کتاب شهید جاوید
۸	۲	—	—	۶	مقدم سرلشکر
۲۰۹	۶	۱۶۳	۴۰	—	مظهری شهید
۲۶	—	۲۴	۲	—	مولوی سرهنگ
۱۶۵	۴۳	۸۳	۳۹		نهضت آزادی
۱۶	۶	۳	۶	۱	نیکسون
۶۱	۳۷	۱۷	۳	۴	نصیری تیسمار
۲۲۷	۳۴	۱۲۶	۵۵	۱۲	نیروی هوایی
۴۴۲۱	۲۳۸۳	۹۵	۶۱۷	۱۳۲۶	نفت
۵		۵			همدانی ملاعلی

سال‌ها	مجلس شورای ملی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع کل اسناد
۱۳۳۹	۸۷۹	۸	۲۵	۲۵۱۹	۳۴۳۱
۱۳۴۰	۵۶۹	۸	۹۶	۳۱۶۶	۳۸۳۹
۱۳۴۱	۱۷	۷	۳۲۲	۲۶۸۴	۳۰۳۰
۱۳۴۲	۹	۱۲	۹۲۲	۲۹۵۱	۳۸۹۴
۱۳۴۳	.	۲۰	۲۲۲	۱۱۴۵	۱۳۸۷
۱۳۴۴	۲۷۲	۹	۵۱	۱۹۹	۵۳۱
۱۳۴۵	۴۰۵	۸۱	.	۱۵۷	۶۴۳
۱۳۴۶	۱۰	۶	۳۶	۲۴۳	۲۹۵
۱۳۴۷	۱۵۶	۵	۴۳	۸۳	۲۸۷
۱۳۴۸	۳۷۰	۳	۲۹	۵۰	۴۵۲
۱۳۴۹	۴۲۵	۱۶	۹۶	۱۸۴	۷۲۱
۱۳۵۰	۳۹۱	۹	۷۵	۸۵	۵۱۰

سال ها	مجلس شورای ملی	مجلس شورای اسلامی	آرشیو خاطرات	مطبوعات	جمع کل اسناد
۱۳۵۱	۶	۲۳	۶۱	۱۰۷	۶۶۷
۱۳۵۲	۲۶۱	۲۳	۸۰	۱۵۱	۵۱۵
۱۳۵۳	۳۸۷	۱۹	۱۰۸	۱۳۸	۶۵۲
۱۳۵۴	۵۷	۳۰	۱۲۷	۷۶	۲۹۰
۱۳۵۵	۵۹۱	۱۳	۶۲	۶۶	۷۳۷
۱۳۵۶	۱۰۸۵	۲۳	۱۷۱	۸۰	۱۳۵۹
۱۳۵۷	۱۷۶۲	۲۶	۱۰۶۱	۸۰	۲۹۲۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی